

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ضمیمہ

قرآن و تعلیمات دینی (۳)

دین و زندگی

سال سوم دبیرستان

ویژہ اهل سنت



در جمهوری اسلامی، همهٔ برادران سنّی و شیعه
در کنار هم و با هم برادر، و در حقوق، مساوی هستند،
هرکس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران
است.

امام خمینی «قدّس سرّه الشّریف»

فهرست

۱	سال سوم : ضمیمه قرآن و تعلیمات دینی (۳) ویژه اهل سنت
۲	درس پنجم : حکومت اسلامی، پس از رسول خدا (ص)
۱۰	درس ششم : ویژگی های حکومت اسلامی
۱۷	درس هفتم : خلفای راشدین
۲۷	درس هشتم : دنیای اسلام پس از خلفای راشدین
۳۳	درس نهم : امت واحده
۴۱	درس دهم : احکام اسلامی
۵۴	درس یازدهم : آینده تاریخ

پیشگفتار

سخنی با دبیران و دانش‌آموزان

دبیران و دانش‌آموزان عزیز کتابی که هم‌اکنون در دست دارید شامل مطالب ضروری مربوط به اصول و فروع دین از دیدگاه علما و فقهای اهل سنت و احکام ویژه این مذهب است. مطالب این کتاب به جای بخش‌های اختصاصی کتاب‌های دین و زندگی، برای دانش‌آموزان اهل تسنن تدریس می‌گردد. از آنجا که در کشور اسلامی ما، گروهی از دانش‌آموزان اهل تسنن در احکام و فروع دین پیرو مذهب امام ابوحنیفه و گروهی دیگر پیرو مذهب امام شافعی می‌باشند، از این رو، در کتاب درسی در موارد اختلاف، احکام بر مبنای نظرات فقهای هر دو مذهب بیان شده است.

نکته قابل توجه در اینجا این است که اختلاف نظر مجتهدین و ائمه مذاهب در مسائل فرعی و احکام، هرگز نباید موجب تفرقه و جدایی میان مسلمانان گردد. اختلاف نظر علمی و بحث‌های بدون تعصب و تنگ‌نظری برای روشن شدن حقیقت، کاری نیکو و پسندیده است. علما و روشنگران دینی باید بدون توجه به وسوسه‌های دشمنان اسلام و سخنان متعصبان جاهل، با دیدگاهی وسیع و سعه صدر به قرآن مراجعه نمایند و با توجه به آیه شریفه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ (نساء ۵۹)، اختلاف‌ها و درگیری‌های خود را با توجه به قرآن و سنت حضرت رسول حل نمایند.

مسلطان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵۸۷۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری



سال سوم

ضمیمهٔ قرآن و تعلیمات دینی (۳)

ویژهٔ اهل سنت

حکومت اسلامی، پس از رسول خدا (ص)

فرائت و ترجمه

أَطِيعُوا اللَّهَ

.....

وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ

.....

وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

.....

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

.....

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

.....

إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

.....

وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

.....

ذَلِكَ خَيْرٌ

.....

وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و سرانجامی نیکوتر

نساء، ۵۹

الَّذِينَ تَرَأَى الَّذِينَ

آیا ننگریستی به کسانی که

يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا

گمان می کنند که ایمان دارند

بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

.....

وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ

يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا

إِلَى الطَّاغُوتِ

وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ

وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ

أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

.....
می خواهند که داوری ببرند

.....
در حالی که امر یافته اند به او کافر شوند

نساء، ۶۰

تفکر در آیات



در این آیات تفکر کنید و پیام های مربوط به حکومت را استخراج نمایید.

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

-۶

دانستیم که یکی از قلمروهای رسالت پیامبر اکرم (ص) برقراری حکومت و اجرای احکام الهی بود؛ زیرا احکام اجتماعی اسلام و پیاده کردن دستورات الهی بدون تشکیل حکومت امکان پذیر نیست. پیامبر اکرم (ص)، همان طور که وظیفه داشت برای اقامه نماز و زکات تلاش کند، وظیفه داشت که «حکومت اسلامی» را تشکیل دهد و اداره جامعه را به دست گیرد و میان مسلمانان حکم کند.

اکنون، این سؤال پیش می آید که آیا پس از رسول خدا (ص) هم نیازی به حکومت اسلامی هست

و باید ادامه داشته باشد، یا نه؟

پاسخ به این سؤال مثبت است؛ زیرا: دین اسلام آخرین دین الهی و یک دین جاودانه است و احکام آن اختصاص به زمان پیامبر اکرم (ص) ندارد. با رحلت پیامبر اکرم (ص) عده‌ای که به مانعان زکات مشهورند، فکر می‌کردند حکومت فقط برای دوران پیامبر (ص) بوده و دیگر نیازی به انجام احکام اجتماعی اسلام، از جمله زکات نیست؛ بنابراین نیازی به حکومت اسلامی هم نیست. با تشکیل حکومت اسلامی عزت و سربلندی مسلمانان حفظ می‌شود و مانع تعرض بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی می‌گردد.

با تشکیل حکومت اسلامی اهداف متعالی و بلند اسلام، مانند عدالت و حق، ترویج خیر و معروف، جلوگیری از منکرات و بدی‌ها، یاری به مستضعفان، دفاع از سرزمین‌های اسلامی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی اسلام ممکن می‌گردد. این یک اصل اساسی و مورد اتفاق پنج مذهب رسمی مسلمانان است که اسلام دارای نوع و شکل حکومت ویژه خود است و هر حکومت دیگری که منطبق با قوانین اسلام تشکیل نشده باشد، واجب‌الاطاعه نیست و نمی‌تواند پیاده‌کننده احکام اسلام باشد.

علاوه بر این، با تشکیل حکومت اسلامی مهم‌ترین نیاز زندگی اجتماعی انسان‌ها، یعنی برقراری عدالت میسر می‌شود؛ نیازی که عامل اصلی تشکیل حکومت بوده است و از هنگامی که انسان‌ها زندگی اجتماعی را آغاز کرده‌اند، برای رسیدن به آن تلاش کرده‌اند. برقراری عدالت نیازی است که اختصاص به زمان رسول خدا ندارد.

دقت در بُعد اجتماعی و حیات جمعی انسان به وضوح نشان می‌دهد که ممکن نیست انسان مانند حیوانات دیگر بتواند به صورت انفرادی زندگی کند؛ بلکه نیاز به تعاون و همیاری است که پیوندهای اجتماعی را پدید می‌آورد.

از طرف دیگر، منفعت‌طلبی برخی انسان‌ها، سبب تجاوز به حق و حقوق دیگران می‌شود و کسانی که خود را قوی‌تر از دیگران می‌بینند، در صورتی که متخلق به اخلاق حسنه نباشند، در صدد آن برمی‌آیند که با زور و ظلم به اموال و ثروت دیگران دست‌درازی کنند. به دلیل پیدایش این قبیل ظلم‌ها و مزاحمت‌ها که همواره در تاریخ بشر اتفاق افتاده، و نیز نزاع‌ها و درگیری‌ها و هرج و مرج‌هایی که به دنبال آنها پدید آمده همواره نیاز به قانون و حکومتی که آن قانون را به اجرا درآورد حس می‌شده است.

می‌دانیم که تنها با وضع قوانین نمی‌توان مانع زورگویی و ستم‌ستمگران و هرج و مرج اجتماعی شد؛ زیرا ستمگران و کسانی که فقط به منافع خود فکر می‌کنند، تنها به آن بخش از قوانین پایبند می‌مانند

که منافع آنها را تأمین کند و متضاد با منافعی نباشد. به همین جهت همواره همراه با مقررات و قوانین اجتماعی باید کسانی باشند که به عنوان حاکمان جامعه، قانون را به اجرا درآورند و متخلفان را مجازات کنند و مانع هرج و مرج گردند. ترس از مجازات سبب می‌شود افرادی که خود را هم تربیت نکرده و به زیور اخلاق آراسته نیستند، مقررات اجتماعی را رعایت کنند.

البته جای انکار نیست که ترس از مجازات هم نمی‌تواند مانع جدی در مقابل قانون‌شکنان و متجاوزان باشد و راه تخلف را ببندد؛ زیرا مردمی که نفوذ و قدرت کامل دارند می‌توانند قوانین را به نفع خود وضع کنند یا آنها را مطابق میل خود دست‌کاری نمایند.

بنابراین، قانونی می‌تواند نابسامانی‌های اجتماعی را سامان دهد و عدالت اجتماعی را محقق سازد که از جانب خداوند وضع شده باشد؛ زیرا اولاً او در وضع قوانین هیچ منفعتی برای خود طلب نمی‌کند، ثانیاً عموم انسان‌ها، در اجرای قانون، خود را در برابر خداوند مسئول می‌دانند و به پاداش یا مجازاتی که بر اثر رعایت یا عدم رعایت قانون دریافت خواهند کرد، بیشتر توجه می‌نمایند.

امروزه مسلمانان، در صحنه امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی روبه‌رو هستند که بدون وجود حکومت اسلامی، حل آن مسائل امکان‌پذیر نیست. بانکداری، بیمه‌های اجتماعی، پیوند اعضا و خرید و فروش عضو، نحوه استفاده از رسانه‌های جدید مانند اینترنت، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و با نظام‌های سیاسی متفاوت، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و یونسکو و صدها مسئله دیگر امروزه پدید آمده که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را بیش از گذشته کرده است؛ حکومتی که رهبران آن بر مبنای اسلام و با استفاده از قرآن و سنت به حل مسائل جدید بپردازند و حکم اسلام را در این مسائل به اجرا درآورند.^۱

۱- بر همین مبنا در ایران پس از انقلاب اسلامی، با رأی قاطع مردم در سال ۱۳۵۸، نوع حکومت به شکل جمهوری اسلامی اعلام گردید و زمینه برای اجرای احکام الهی فراهم آمد؛ با توجه به اینکه مذهب شیعه یکی از پنج مذهب رسمی در میان مسلمانان است، حکومت اسلامی ایران براساس دیدگاه‌های کلامی و فقهی شیعه تشکیل شده است که روابطی بسیار عالی و وسیع با مسلمانان سایر مذاهب در جهان دارد و در بسیاری از کشورها موجب بیداری و دلگرمی شده و ایده تشکیل حکومت اسلامی و دوری از حکومت‌های طاغوتی و مبارزه با استعمارگران و مستکبران را گسترش داده است. مبانی حکومت اسلامی در مذاهب پنج‌گانه، بسیار به یکدیگر نزدیک است و در جزئیات، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. لذا اگر در برخی تعبيرات این کتاب ضمیمه تفاوتی مشاهده می‌شود، در جزئیات، و بنابر تعبيرات و دیدگاه‌های کلامی و فقهی اهل سنت است و چون در قانون اساسی حقوق مذهب اهل سنت محترم شمرده شده، در بخش آموزش نیز، طرح دیدگاه‌های کلامی و فقهی ویژه دانش‌آموزان اهل سنت فراهم آمده است. همین امر موجب اتحاد بیشتر و همدلی اهل سنت با برادران شیعی شده است تا همه در کنار هم و با برنامه‌ریزی نظام اسلامی برای عزت و سربلندی ایران اسلامی و اعتلای اسلام در جهان عمل نمایند.

برخی از مسائل جدید در دنیای امروز را که در گذشته مطرح نبوده و نیازمند به دست آوردن پاسخ آنها از قرآن کریم و سنت است، نام ببرید و راه حل هایی را که به نظر شما می رسد، در کلاس ارائه دهید.

خلافت و امامت

خلافت به معنای جانشینی و امامت به معنای رهبری و پیشوایی است. همان طور که گفتیم، حکومت اسلامی اختصاص به زمان رسول خدا (ص) ندارد و پس از ایشان نیز ادامه می یابد. کسی که پس از رسول خدا (ص) عهده دار حکومت اسلامی می شود، «خلیفه» نام دارد؛ زیرا چنین شخصی جانشین رسول خدا (ص) است و پس از ایشان وظیفه اجرای احکام الهی در جامعه را بر عهده دارد. و از آنجا که چنین شخصی رهبری و پیشوایی مردم را بر عهده دارد، او را امام نیز می خوانند. پیروی و اطاعت از خلیفه بر مردم لازم است. مردم باید فرمان ها و دستورات او را تبعیت کنند و در اجرای قوانین الهی یاری اش نمایند.

تفکر در آیات

با تفکر در آیات ابتدای درس توضیح دهید که کدام آیه به جانشینی پس از رسول خدا (ص) اشاره دارد و مردم را به چه چیزی فرمان می دهد؟

شروط لازم برای خلیفه یا امام

از آنجا که جانشینی پیامبر اکرم (ص) و رهبری و اداره جامعه، مهم ترین مسئولیت الهی است، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. کسی باید این مسئولیت را بپذیرد که از شرایط زیر برخوردار باشد:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد و غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت

داشته باشد.

۲- خلیفه باید مرد باشد؛ زیرا خلافت از کارها و وظایف بسیار شاق و پرخطر است و خداوند کارهای سخت را بر دوش مردان گذاشته و زنان را معاف کرده است.

۳- خلیفه باید عاقل و بالغ باشد؛ زیرا غیرعاقل و غیربالغ را یارای چنین کاری نیست.

۴- خلیفه باید به احکام دین آگاه باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع دینی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می شود از کتاب و سنت به دست آورد.

این شرط، لازمه تحقق حکومت اسلامی است؛ زیرا حکومت اسلامی، آن شکلی از حکومت است که قوانین و احکام اسلامی در آن پیاده شود و حاکم آن مجری احکام الهی باشد. وقتی حاکم می تواند مجری احکام الهی باشد، که خود با این احکام آشنایی کافی داشته باشد و هرگاه با مسئله جدیدی روبه رو شود، با استفاده از قدرت اجتهاد و دانش دینی خود، بتواند حکم آن مسئله را به دست آورد و اعلام نماید.

۵- خلیفه باید عادل باشد و براساس عدل و داد بر مردم حکومت کند. او باید آراسته به فرائض و فضائل و مبرا از گناه و رذائل و هر چه که محلّ مرّوت است، باشد. عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) گوید که: رسول خدا (ص) فرمود: خدای تعالی بزرگوارتر از عدل بر زمین چیزی نیافرید. عدل ترازوی خداست بر زمین و هر کس بدین ترازو دست یازد او را تا بهشت می برد.

۶- کفایت: خلیفه باید قادر به رهبری مردم باشد و بتواند سختی های اداره امور را تحمل کند.

۷- سلامت: خلیفه یا امام باید از سلامتی برخوردار باشد و نقصی که مانع انجام وظایف و مسئولیت هاست، نداشته باشد.

حاکم اسلامی با از دست دادن هر یک از این شرایط، حق حاکمیت خود را از دست می دهد و نمی تواند بر مردم حکومت کند؛ مثلاً اگر حاکم عدالت یا کفایت خود را از دست دهد، شرعاً حاکم مسلمانان نیست و حکم او قابل اجرا نمی باشد.

تکالیف خلیفه یا امام

خلیفه در برابر امت دو وظیفه و مسئولیت کلی برعهده دارد:

۱- اقامه اسلام

۲- اداره امور حکومت در چارچوب اسلام

برای اینکه خلیفه بتواند این دو مسئولیت مهم را به انجام برساند، باید ویژگی‌ها و خصوصیات
داشته باشد؛ از جمله :

- ۱- با مردم و به خصوص اهل نظر و علم و دانش مشورت کند و از نظرات آنها بهره ببرد.
- ۲- در میان مردم باشد و مانند آنان زندگی کند.
- ۳- مراقب کارگزاران خود باشد و بر کار آنها نظارت کند.



با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که به نظر شما بهتر است
حاکم اسلامی داشته باشد مشخص نمایید.

راه انتخاب خلیفه و امام

خلیفه از طرف مردم یا خبرگان مردم که نام دیگر آن شورای حلّ و عقد است، انتخاب می‌گردد.
مردم با چنین خلیفه‌ای بیعت می‌کنند و به فرمان‌هایش عمل می‌نمایند. کسی که بدون نظر و رأی شورای
امت قدرت را به دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه در مورد او مصداق ندارد، بلکه عناوینی مانند شاه،
سلطان و دیکتاتور در مورد او صدق می‌کند. چنین حکومتی هم در اسلام جایگاهی ندارد و از ارزش
و اعتبار برخوردار نیست. خلافت، پیش از آنکه یک مقام باشد، یک مسئولیت است و کسی که خود
طالب آن باشد، اهلیت این کار را ندارد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «به خدا سوگند، ما کسی را
که بر این کار حریص بوده یا درخواست کند، متصدی نخواهیم کرد» و یا فرموده است:
«خائن‌ترین شما پیش ما کسی است که آن (مقام و منصب) را مطالبه نماید.»^۱



۱- در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره حاکم اسلامی به دست
می‌آورد، یادداشت کنید.

۱- صحیح ابو داود

- ۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) استدلال کرد؟
- ۳- با تأمل در شروط لازم برای حاکم اسلامی، ویژگی‌های مشترک بین پیامبر، خلیفه و حاکم اسلامی را استخراج کرده، پیرامون هر کدام توضیح مختصری بنویسید.

ویژگی های حکومت اسلامی

در درس گذشته با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از پیامبر اکرم (ص) و چگونگی انتخاب جانشین آن حضرت آشنا شدیم. در این درس می خواهیم به شناخت ویژگی ها و خصوصیات حکومت اسلامی بپردازیم و ببینیم که این حکومت چه تفاوت هایی با سایر حکومت ها و نظام ها دارد.

قرائت و ترجمه

و کَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا
لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ...

و این چنین شما را امتی میانه قرار دادیم
تا بر مردمان گواه باشید
و پیامبر بر شما گواه باشد

بقره، ۱۴۳

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ
يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

باید از شما مردمی پدید آید
.....
.....
.....
.....

آل عمران، ۱۰۴

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا

.....

وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ

.....

مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتِ

بعد از اینکه دلایل روشن برایشان آمد

وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

.....

آل عمران، ۱۰۵

شورا و مشورت

شورا بر وزن فَعْلِي، اسم مصدر از «تشاور» و از ریشه «شور» به معنای غسل و یا برداشت غسل از محل آن است. در اصطلاح، به معنای مشورت و اظهار نظر و ابراز عقیده و رأی در کار است. اصل مشورت، یکی از اصول مهم حکومت اسلامی است و قرآن کریم بر آن تأکید کرده و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ

.....

لِنْتَ لَهُمْ

برای ایشان نرم شدی

وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ

و اگر درشتخوی سخت دل بودی

لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ

از گرد تو پراکنده می شدند

فَاعْفُ عَنْهُمْ

.....

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ

.....

وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

.....

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

.....

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

.....

آل عمران، ۱۵۹

پیامبر اکرم (ص) به امر خداوند متعال، مؤمنان را کرامت بخشید و لیاقت و شایستگی انسانی را در وجودشان به آنان نمایاند تا بتوانند پس از رسول خدا (ص) امور جامعه خود را حل و فصل کنند و به پیش ببرند. البته پیامبر اکرم (ص) در امر تشریح و احکام اسلامی با کسی مشورت نمی کرد و آنچه را که حکم الهی بود به اجرا درمی آورد. موارد مشورت ایشان مربوط به کیفیت اجرای برخی از کارها بود. به طور مثال، وقتی احزاب و مشرکان مکه به سوی مدینه لشکرکشی کردند، رسول خدا فرمان جهاد و دفاع را صادر کرد. اما در مورد کیفیت دفاع با مسلمانان مشورت کرد. در این مشورت بود که سلمان فارسی پیشنهاد داد اطراف مدینه خندق حفر کنند تا مشرکان نتوانند مدینه را مورد تعرض یکباره خود قرار دهند. رسول خدا (ص) نیز این پیشنهاد را پذیرفت و مسلمانان به حفر خندق پرداختند.



درباره اصل مشورت با یکدیگر گفت و گو کنید و بگویید که تصمیم گیری براساس مشورت چه مزایایی دارد.

یکی از سوره های قرآن کریم «شورا» نام دارد. در همین سوره، ضمن آیاتی که برخی از ویژگی های مؤمنان را بیان می کند، چنین می خوانیم :

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
 وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

.....

 و کارشان با مشورت میان خودشان باشد

شوری، ۳۸

اصل شورا، یک اصل ثابت و تغییرناپذیر است اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می شود و تنها کاردانان و اهل بصیرت مجاز به دادن چنین تغییراتی هستند.

عموم مؤمنان و مسلمانان عضو شورا هستند و در حدود قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می‌گیرند. اما چون برای همه مسائل، اجتماع و نظرخواهی همه مردم ممکن نیست، روش‌های مختلفی برای شورا به کار می‌برند. مثلاً مردم افرادی را که در میان خود به صداقت، امانت‌داری و تقوا و علم مشهورند به عنوان نماینده انتخاب می‌کنند تا در مسائل خاص اظهار نظر نمایند و تصمیم‌گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب‌هایی آگاهی و آزادی انتخاب‌کنندگان است تا بتوانند بدون اغفال و در آزادی کامل کسی را که تشخیص می‌دهند برای شورا مناسب است، انتخاب کنند. یکی از مهم‌ترین شوراها، شورای خبرگان یا «اهل حلّ و عقد» است که درباره مهم‌ترین مسائل حکومت اسلامی، از جمله تعیین خلیفه و امام اظهار نظر می‌کند و شخصی که دارای شرایط رهبری است، به خلافت برمی‌گزیند.



امروزه نمونه‌های مختلفی از شورا در کشور ما وجود دارد. چهار مورد از آنها را نام ببرید و توضیح دهید که هر کدام درباره چه مسائلی مشورت می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های مردم، انتخاب خلیفه و پیشوای مسلمانان است. چنانچه کسی بدون داشتن شرایط و بدون رأی و نظر شورای منتخب مردم قدرت حکومت را به دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه و پیشوایی مردم در مورد او مصداق ندارد؛ بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان، دیکتاتور و مانند آن در مورد او صدق می‌کند که در اسلام جایگاهی ندارد.

حضور مردم

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است. وقتی مردم به دین اسلام و پیامبری پیامبر اکرم (ص) ایمان آوردند، و جامعه اسلامی تشکیل شد، امکان تشکیل حکومت اسلامی به وجود می‌آید. به همین جهت، لازمه اقتدار حاکم اسلامی قبول وی از جانب مردم است. در این صورت است که خلیفه و امام می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف و برنامه‌هایی که دارد به فعالیت و کار و تلاش تشویق نماید. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت دیکتاتوری و استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند

کرد. به همین جهت باید همواره یک رابطه عاطفی میان حاکم جامعه اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند.

تفکر در آیات

در آیه ۱۵۹ آل عمران بیندیشید و نکاتی را که درباره رابطه مردم با رهبر جامعه اسلامی است، استخراج نمایید.

استقلال سیاسی

حکومت اسلامی رابطه خود با سایر ملت‌ها و حکومت‌ها را براساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. مطابق با این موازین، به هیچ حکومتی اجازه نفوذ و دخالت را نمی‌دهد؛ با کشورهایی که روابط عادلانه متقابل را رعایت کنند، رابطه برقرار می‌کند و در مقابل کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز نمایند، سرسختانه و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند.

تفکر در آیات

در آیه ۱۴۱ سوره نساء بیندیشید و رهنمود آیه درباره رابطه دیگر کشورها را توضیح دهید.

تفاوت حکومت اسلامی با حکومت‌های به سبک غربی

حکومت دمکراتیک یا مردم‌سالار، حکومتی است که در آن خواست اکثریت مردم تعیین‌کننده شکل نظام و قوانین اساسی جامعه است، نه خواست و اراده فرد یا گروهی خاص که البته همین ویژگی هم در دنیای کنونی به درستی اجرا نمی‌شود. حکومت‌هایی که امروزه به حکومت‌های دمکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است. سرمایه‌داران بزرگ در کشورهای غربی، با تکیه بر ثروت عظیم و تبلیغات قوی و نفوذ در ارکان حکومت، افکار مردم را به سوی اهداف

و شخصیت‌های مورد نظر خود جلب می‌کنند و آرای آنها را به دست می‌آورند.^۱

نظام اسلامی حقیقتاً با خواست اکثریت مردم تشکیل می‌شود. اما این تفاوت مهم را با نظام‌های دمکراتیک دارد که مبنای نظام اسلامی حاکمیت اراده و قانون الهی بر همه بخش‌های جامعه است. نظام اسلامی زمانی در کشوری استوار می‌شود که اکثریت مردم بپذیرند که زندگی فردی و اجتماعی آنها مطابق با قانون الهی اداره شود. به همین جهت، این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است.

دمکراسی‌های رایج در جهان، هدف خود را تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتنا هستند و گاهی هم با آن مخالفت دارند. اما هدف اصلی در حکومت اسلامی آن است که با برقراری عدالت اجتماعی، زمینه‌های رشد و تعالی مردم را مهیا کند و ارزش‌های اخلاقی اسلام را گسترش دهد.

رابطه متقابل مردم با خلیفه مسلمانان

همان‌طور که نظام اسلامی بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد. مردم باید برای دوام نظام و رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی تلاش کنند و با انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر، خوبی‌ها را در جامعه گسترش داده و مانع ظهور بدی‌ها و منکرات گردند. آنان حتی وظیفه دارند نسبت به خلیفه و کارگزاران او ناصح باشند و با تذکرات خود آنان را در انجام مسئولیت‌ها یاری کنند و مشاوره دلسوز برای آنان باشند.

خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه مردم مهربان باشد، راه استبداد را پیش نگیرد، با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. عدل را که مهم‌ترین وظیفه حکومت است در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر عدل و داد حاکمیت کند. رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید. پاسدار طبقات محروم و مستضعف جامعه باشد، به وضع آنان رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی به آنان نگردد. در مقابل آنان متواضع و فروتن باشد و آنان را نزدیک‌ترین طبقات به خود بداند. در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ‌کس واقع نشود و با شجاعت دین خدا را در جامعه پیاده کند.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام جامسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.

تفکر در آیات



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که با موضوعات درس ارتباط دارد، استخراج کنید.

اندیشه و تحقیق

- ۱- تأثیرات شورا در حکومت اسلامی و مسائل امت اسلام را با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۲- تفاوت‌های حکومت اسلامی با حکومت‌های رایج در میان انسان‌ها را از نظر رابطهٔ متقابل حاکم و مردم یافته، ویژگی‌های مثبت حکومت اسلامی را در این میان بیان کنید.

خلفای راشدین

در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن حکومت اسلامی پس از رسول خدا (ص) آشنا شدیم و دانستیم که حکومت اسلامی و رهبری آن دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم با خلفا و جانشینان رسول خدا (ص) که پس از وی رهبری و پیشوایی جامعه اسلامی را برعهده گرفتند بیشتر آشنا شویم.

۱- حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

عبداللہ بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفہ رسول اللہ بود که پس از رحلت رسول خدا (ص) مردم با او بیعت کردند. وی، قبل از اسلام در میان مردم به راستگویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار (ص) به ایشان لقب صدیق داد.

ابوبکر (رض) از قبیلہ بنی تمیم است که شاخه‌ای از قبیلہ بزرگ قریش می‌باشد. نسبش به مژہ می‌رسد که جدّ ششم رسول خدا (ص) نیز می‌باشد. اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا (ص) رسید و رسالت آن حضرت را تصدیق کرد. رسول خدا (ص) به وی فرمود: «انت عتیق اللہ من النار - تو از آتش جهنم مصون هستی». پدرش عثمان که مشهور به «ابوقحافه» بود، در سال فتح مکه مسلمان شد. مادرش ام‌الخیر (سلمی) بنت صخر یکی از زنان اولیة اسلام است که قبل از هجرت در خانه ارقم بن ابی ارقم که محلّ اجتماع مسلمانان در مکه بود به دین اسلام مشرف شد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود و پدر و پسر و نوه‌اش محمد بن عبدالرحمن (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول اللہ (ص) می‌باشند.

برخی از فضائل حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

۱- ابوبکر (رض) پیش از اسلام نیز به نیکوکاری مشهور بود و به درماندگان و فقیران کمک می‌کرد. با ظهور اسلام ثروت خود را در راه اعتلای اسلام و آزادی بردگان خرج کرد که از جمله بردگانی که آزاد کرد می‌توان از بلال حبشی، عابرن فهیره و نیرة ام حبس نام برد.

۲- در میان بزرگسالان مرد، اولین کسی بود که به پیامبر ایمان آورد. از میان زنان حضرت خدیجه و از میان جوانان و نوجوانان حضرت علی (کرم الله وجهه) و از میان بردگان زیدبن حارثه اولین اشخاصی هستند که بر همگان در تشرّف به دین اسلام سبقت گرفتند.

۳- یگانه همراه پیامبر (ص) در هجرت از مکه به مدینه بود. برخی نوشته‌اند، پس از آنکه رسول الله (ص) به مسلمانان اجازه داد تا به شهر مدینه مهاجرت کنند، ابوبکر نیز تصمیم به هجرت گرفت و برای کسب اجازه نزد رسول خدا (ص) آمد. پیامبر (ص) به او فرمود: «لَا تَعْجَلْ لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ لَكَ رَفِيقًا» - عجله مکن، امید است که خدای تعالی برای تو رفیقی و هم‌سفری قرار دهد» مشیت الهی چنان بود که این رفیق، رسول الله (ص) باشد و ابوبکر یار غار او گردد.

۴- بسیار متواضع بود و زندگی کاملاً بی‌آلایش و بی‌تکلفی داشت و نسبت به خواهش‌های دنیایی بی‌اعتنا بود. در عین تواضع و فروتنی در اجرای احکام و حدود شرعی سخت‌گیر بود و شجاعانه بی‌پروا عمل می‌کرد.

برخی از اقدامات مهم حضرت ابوبکر (رض) در دوران خلافت

۱- پس از رحلت رسول خدا (ص) دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور وقتی صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسلمانان کذاب به شهادت رسیدند.

۲- سپاه اسامه بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا (ص) آماده حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز کرد و به آن منطقه اعزام نمود.

۳- با پیامبران دروغین و قبایل مشرک و مرتد و فتنه‌جویان که رحلت رسول خدا (ص) را موقعیتی مناسب برای آشوب تشخیص داده بودند، جنگید و به فتنه آنها خاتمه داد.

۴- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را در زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.

۵- به دستور او لشکر اسلام به فرماندهی خالد بن ولید در یک جهاد آزادی‌بخش، قسمت زیادی از خاک عراق را آزاد کرد و جزء سرزمین اسلامی نمود. همچنین بخشی از شام را از رومیان گرفت و به قلمرو اسلام ضمیمه کرد.

۶- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آنها گرفت.

امّ المؤمنین عایشه می‌گوید: حضرت ابوبکر (رض) در روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال

سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا اینکه بعد از غروب روز سه‌شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت خودش او را در حجره‌ام المؤمنین عایشه در جنب ضریح منور رسول الله (ص) به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرده و در سن ۶۳ سالگی رحلت کرده است. به روایت شیخ سیوطی حضرت ابوبکر (رض) صد و چهل و دو حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است. فردوسی با الهام گرفتن از حدیث نبوی در مدح حضرت ابوبکر صدیق (رض) چنین گفته است.

که خورشید بعد از رسولانِ مه نتابید بر کس ز بوبکرِ به



از شیوة زندگی و ویژگی‌های حضرت ابوبکر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟
چهار مورد آن را با هم فکری با هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

۲- حضرت عمر (رضی الله عنه)

حضرت عمر (رض) لقبش فاروق (تمیزدهنده حق از باطل) و کنیه‌اش ابوحفص است. نسب حضرت عمر در کعب بن لوی به پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. او سیزده سال پس از تولد رسول خدا (ص) در مکه متولد شده است. در سن بیست و هفت سالگی پس از مسلمان شدن چهل مرد و یازده زن به اسلام مشرف شد.

پیش از اسلام حضرت عمر، پیامبر (ص) دعا نمود و گفت: «اللَّهُمَّ اعِزِّ الْإِسْلَامَ بِأَحَبِّ هُدَيْنِ الرَّجُلَيْنِ عِنْدَكَ، بِعَمْرِ بْنِ الْخَطَّابِ أَوْ بِعَمْرِ بْنِ هِشَامٍ»؛ یعنی پروردگارا دین اسلام را عزت و تقویت ببخش، با مسلمان شدن یکی از این دو مردی که نزد تو محبوب‌تر باشد، عمر بن خطاب یا عمرو بن هشام (ابوجهل). دعای پیامبر درباره حضرت عمر مستجاب شد و مسلمان گردید. اما عمرو بن هشام (ابوجهل) چون روح حق‌پذیری نداشت، با همه ذکاوتش تا پایان عمر بر کفر و دشمنی با اسلام و مسلمانان باقی ماند و عاقبت در جنگ بدر به قتل رسید.

وقتی که حضرت عمر (رض) در خانه ارقم بن ابی ارقم مسلمان شد، به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا مگر ما بر دین حق نیستیم؟ پس چرا دین خود را پنهان مداریم؟ بعد از این پیشنهاد، مسلمانان

به همراهی عمر در رکاب رسول خدا (ص) از خانهٔ ارقم به سوی خانهٔ کعبه آمدند و آشکارا به طواف کعبه و انجام مراسم مذهبی پرداختند. فردوسی در این باره چنین گفته است :

عمر کرد اسلام را آشکار بیاراست گیتی چو باغ بهار

شگفت انگیز اینکه بزرگان و کفار قریش که در اطراف کعبه بودند، به این منظرهٔ باشکوه نگاه می کردند، اما با آن همه دشمنی و ستیزی که با پیامبر (ص) و مسلمانان داشتند، جرأت نکردند که در کار آنها دخالت کنند یا اعتراض نمایند.

برخی از فضائل حضرت عمر (رض)

حضرت عمر (رض) فردی شجاع، صریح‌اللهجه، عادل، متواضع و مورد اعتماد مردم بود. از برجستگان کاتبان وحی بود. نسبت به زورگویان بسیار سخت گیر و نسبت به عموم مردم فروتن و متواضع بود. او به مسلمانان دستور داده بود که در هنگام فتح سرزمین‌های کفار، حقوق مردم را رعایت کنند و با آنها با رأفت اسلامی رفتار نمایند. گوستاولوبون مورخ فرانسوی در کتاب «تمدن اسلام» می گوید :

«در دنیا فاتحینی مهربان‌تر و عادل‌تر از مسلمانان دیده نشده است. آنان با حسن رفتار و عدالت بی سابقهٔ خود بهتر و بیشتر از عملیات نظامی به پیروزی حیرت‌انگیزشان رسیدند...»

حضرت عمر (رض) پانصد و سی و نه حدیث را از پیامبر (ص) نقل کرده است.

حضرت عمر مانند رسول‌الله (ص) و ابوبکر شصت و سه سال زندگی کرد. مدت خلافتش ده سال و شش ماه بود. در صبح روز چهارشنبه بیست و ششم ماه ذی‌الحجه، هنگامی که در مسجد می خواست نماز صبح را به امامت با مسلمانان ادا کند، به وسیلهٔ ابولؤلؤ (فیروز) غلام مغیره بن شعبه مورد حمله قرار گرفت و با ضربات شمشیر زهرآگین جراحات شدیدی برداشت. ابولؤلؤ کافر، پس از حمله به حضرت عمر (رض) سیزده نفر از مسلمانان نمازگزار را مجروح ساخت که به قولی سه نفر از آنها شهید شدند.

حضرت عمر (ص) بر اثر جراحات وارده در صبح روز یکشنبه اول ماه محرم سال بیست و سوم هجری به درجهٔ شامخ شهادت نایل گردید. جسد او را در جوار ضریح مبارک رسول‌الله (ص) و در کنار قبر ابوبکر صدیق (رض) به خاک سپردند. بدین گونه اولین ترور در اسلام با شهادت خلیفه رسول‌الله (ص) شکل گرفت.

برخی از اقدامات مهم حضرت عمر (رض)

۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها

- ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب‌ها حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز مأمور اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود.
- ۳- تأسیس یک سازمان ساده گمرک که وظیفه‌اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود.
- ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت و رسیدگی به امور بیت‌المال و درآمد حقوق بگیران.
- ۵- تعیین تاریخ اسلام که پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول‌الله (ص) از مکه به مدینه تعیین گردید.
- ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستم‌دیده این دو سرزمین و مسلمان شدن آنها.
- ۷- اجرای عدالت در قلمرو وسیع اسلامی و مبارزه با ستمگران و تعرض‌کنندگان به حقوق مردم.



از شیوه زندگی و ویژگی‌های حضرت عمر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟
چهار مورد آن را با هم فکری با هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

۳- حضرت عثمان (رضی الله عنه)

عثمان بن عفان سومین خلیفه مسلمانان است که با انتخاب شورای تعیین شده از طرف حضرت عمر (رض) به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند. نسبش در جد سوم، به «عبد مناف» می‌رسد که جد پیامبر (ص) نیز می‌باشد. وی از سابقین در اسلام است که بر اثر علم و درایت زیاد با دیدن پیامبر (ص) و شنیدن آیات الهی شهادتین را بر زبان جاری کرد.

پیامبر اکرم (ص) ابتدا دختر خود، «رقیه» را به عقد عثمان درآورد. رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر (ص) دختر دیگر خود، «ام کلثوم» را به عقد او درآورد. به همین سبب او را «عثمان ذی النورین» می‌گفتند. ام کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا (ص) فوت کرد. آن حضرت فرمود: اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم.

او که از ثروتمندان مکه و فردی معروف و مشهور بود، پس از مسلمان شدن، اموال خود را برای اعتلای اسلام خرج کرد. در ماجرای که منجر به صلح حدیبیه شد، به عنوان سفیر پیامبر (ص) نزد مشرکان رفت و خطر مرگ را به جان خرید و مأموریت خود را به نحو احسن انجام داد.

آن بزرگوار دو بار مهاجرت کرد، یک بار به حبشه و سپس از آنجا به مدینه.

برخی از فضائل حضرت عثمان (رض)

عثمان انسانی خوش قیافه و زیبا، همراه با شرم و حیای مخصوص بود. ام المؤمنین عایشه (رض) می گوید: هنگامی که پیامبر (ص) ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت: شوهرت از همه کس به جدت ابراهیم خلیل (ع) و پدرت محمد (ص) شبیه تر است.

او در میان مردم به کرم و بخشندگی و سخاوت مشهور بود. انسانی بسیار مهربان و فضیلت های انسانی در او عیان بود.

حضرت عثمان که مردی تاجرپیشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رسانید. از جمله: پرداخت هزینه و سازوبرگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر و وقف کردن آن چاه برای مسلمانان، توزیع گندم های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در بین فقراى مدینه.

حضرت عثمان، نامه های رسول خدا (ص) را می نوشت.

برخی از اقدامات حضرت عثمان (رض) در دوره خلافت

۱- نشر و تکثیر قرآن کریم: به دلیل گسترش اسلام در سرزمین های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، به دستور ایشان نسخه های زیادی از قرآن که دارای یک رسم الخط بود، منتشر کردند و به نقاط مختلف سرزمین های اسلامی فرستادند.

۲- گسترش سرزمین های اسلامی: در زمان ایشان مناطق دیگری از جمله جنوب شرقی و نواحی شمال از خاک ایران و برخی نواحی تحت تسلط روم توسط مسلمانان فتح شد و جزء قلمرو حکومت اسلامی درآمد و قلمرو اسلامی از شمال آفریقا تا نزدیکی اقیانوس اطلس امتداد یافت.

حضرت عثمان (رض) حدود دوازده سال خلافت کرد. در اواخر خلافت وی، عده ای طغیانگر و ناراضی به مدت چهل شبانه روز خانه او را محاصره کردند و تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند. روزی که شورشیان می خواستند وارد خانه شوند، حضرت علی (کرم الله وجهه) و چند نفر دیگر از صحابه و فرزندان خود را به منظور دفاع و محافظت از آن حضرت به سوی خانه او اعزام کردند. در این هنگام شورشیان هجوم آورده و شروع به سنگ پرانی و تیراندازی کردند که در این درگیری، صورت حضرت

حسن مجتبی (رض) مجروح گردید و سر قنبر، غلام حضرت علی (کرم الله وجهه) شکسته شد و محمد بن طلحه جراحت برداشت. سرانجام شورشیان وارد خانه حضرت عثمان (رض) شدند و به او که در حال خواندن قرآن بود، هجوم آوردند. یکی از شورشیان، ضربتی بر سر حضرت عثمان (رض) فرود آورد و با شکستن سر او خونس بر روی آیه های قرآن جاری شد. حمله و تهاجم از سوی شورشیان ادامه یافت تا اینکه رهبر مسلمانان به شهادت رسید.

بدین گونه در روز جمعه هجدهم ماه ذی الحجه سال سی و پنج هجری حضرت عثمان (رض) شهید شد و پس از آن نزاع و کشمکش داخلی و قتل و برادرکشی در میان مسلمانان آغاز گردید. او یکصد و چهل و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.



در شیوه زندگی و ویژگی های اخلاقی حضرت عثمان (رض) تفکر کنید و بگویید چه درس هایی برای زندگی امروز خود می توانیم بگیریم.

۴- حضرت علی (کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ)

حضرت علی بن ابی طالب پسرعمو و داماد پیامبر (ص) است. از القابش اسدالله و مرتضی و کنیه اش ابوالحسن و ابوتراب است. مادرش فاطمه دختر اسد از بنی هاشم است. به روایت ابن کثیر ده سال قبل از بعثت، در مکه معظمه چشم به جهان گشود و در کودکی تحت سرپرستی و تربیت پیامبر (ص) قرار گرفت. با شروع بعثت، در ده سالگی به پیامبر (ص) ایمان آورد. خودش می گوید: هنگامی که جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و پیام خداوند درباره رسالت را به ایشان ابلاغ کرد وی در کنار پیامبر (ص) حضور داشته است. او از همان جوانی تا پایان عمر در راه اعتلای اسلام تلاش کرد. در هنگام هجرت رسول الله (ص) در بستر پیامبر خوابید تا مشرکانی که خانه پیامبر را محاصره کرده بودند، از خروج پیامبر خدا (ص) آگاه نشوند و در صورتی که به خانه آن حضرت هجوم برند، به ایشان آسیبی نرسد. در جنگ بدر، شجاعت بی نظیری از خود نشان داد و بر ولید بن عتب که جنگاوری مشهور بود پیروز شد. در جنگ خندق که مشرکان، مدینه را به محاصره درآورده بودند، در نبرد با پهلوان کم نظیر عرب، عمرو بن عبدود را از پای درآورد و موجب رعب و وحشت دشمنان و بازگشت آنها به مکه شد. در جنگ خیبر،

فرماندهی سپاه مسلمانان را برعهده گرفت، قلعه خیبر را فتح کرد و یهودیان خیبر را شکست داد. در ۲۵ سالگی با حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر (ص) ازدواج کرد. ثمره این ازدواج حضرت حسن (رض) و حضرت حسین (رض) و زینب و ام کلثوم بود.

پس از شهادت حضرت عثمان (رض)، مردم از مهاجر و انصار اجتماع نموده و به حضرت علی (کرم الله وجهه) پیشنهاد بیعت دادند. آن حضرت از پذیرش مقام خلافت سر باز زد. اما مسلمانان دست برنداشته و با اصرار و پافشاری با او بیعت کردند و در آن موقع، هیچ کس با خلافت او مخالفت نکرد. او در اولین خطبه خود بعد از رسیدن به خلافت، روش خود را معین کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را شعار خود قرار داد. پس از آن، به تدریج فتنه‌ها شروع شد و دوران خلافتش با سرکوبی فتنه‌های داخلی سپری شد. او برای نجات اسلام از فتنه‌ها و نافرمانی‌ها مجاهده‌های زیادی کرد تا سرانجام به وسیله یکی از گروه‌های فتنه‌گر، یعنی خوارج، در شب جمعه، هفدهم ماه رمضان سال چهارم هجری در هنگام ادای نماز صبح و به دست ابن ملجم در مسجد کوفه، فرق سرش شکافته شد و در نوزدهم ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.^۱ وی در هنگام شهادت ۶۳ سال عمر داشت.

برخی از خصائل حضرت علی (کرم الله وجهه)

- ۱- شجاعت حضرت علی بی نظیر بود و در بسیاری از غزوه‌ها سبب پیروزی اسلام گردید.
- ۲- حضرت علی در علوم و معارف الهی بی نظیر بود. رسول الله (ص) درباره وی فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بِأَبْهَائِهَا - من شهر علم هستم و علی دروازه آن است». کتاب نهج البلاغه که بخشی از خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات اوست، نشان‌دهنده علم وی در شناخت خداوند، جهان هستی، تفسیر قرآن، تاریخ، سیاست، قضاوت اسلامی و سایر معارف دینی است.
- ۳- در فصاحت و بلاغت بی نظیر بود به طوری که بزرگان شعر و ادب عرب در طول تاریخ اسلام تلاش می‌کردند خطبه‌های او را حفظ کنند و در گفته‌های خود استفاده نمایند. کتاب نهج البلاغه نشان‌دهنده این فصاحت و بلاغت است.
- ۴- از زهد و تقوای بسیار بالایی برخوردار بود و دنیاطلبی را به شدت مذمت می‌کرد و دوست می‌داشت که والیان و فرمانداران او نیز اهل زهد و تقوا باشند.
- ۵- در اجرای عدالت بسیار سخت‌گیر بود و در این مورد هرگز کوتاه نمی‌آمد. بسیاری از کسانی که بعدها علیه او فتنه و آشوب راه انداختند، از عدالت خواهی او ناراحت شده بودند. حتی برخی گفته‌اند

۱- بنا به روایت مورخان شیعه هنگام سحر روز نوزدهم رمضان مجروح و در روز بیست و یکم شهید شد.

او شهید عدالت‌پیشگی خود شد^۱.

برخی از اقدامات حضرت علی (کرم الله وجهه)

۱- مبارزه با فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت حضرت عثمان (رض) پیش آمده بود.

۲- جلوگیری از نفوذ گروه یا افراد خاص در بیت‌المال و حفظ اموال عمومی و تقسیم عادلانه آن میان مردم.

۳- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی مانند خوارج و آگاه نمودن مردم از خطرات آنها، تا اینکه بالاخره به وسیله همین گروه افراطی و کوتاه‌فکر به شهادت رسید.

۴- ایراد خطبه‌ها و نوشتن نامه‌هایی حاوی معارف اسلامی، شیوه حکومت‌داری و اخلاق والای انسانی که هم‌اکنون به عنوان گنجینه‌ای در اختیار بشریت است. عهدنامه او به مالک اشتر نخعی در هنگام تعیین وی به عنوان حاکم مصر، عالی‌ترین شیوه کشورداری را آموزش می‌دهد که هنوز نیز نظیر ندارد.

حضرت علی (کرم الله وجهه) پانصد و هشتاد و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.



در شیوه زندگی و ویژگی‌های اخلاقی حضرت علی (کرم الله وجهه) تفکر کنید و بگویید چه درس‌هایی برای زندگی امروز خود می‌توانیم بگیریم.

۵- حضرت حسن مجتبی (رضی الله عنه)

حضرت حسن (رض) فرزند ارشد حضرت علی (کرم الله وجهه) و حضرت فاطمه است. کنیه‌اش ابو محمد و لقبش مجتبی است. حضرت حسن (رض) در روز سه‌شنبه پانزدهم ماه مبارک رمضان سال سوم هجرت در مدینه منوره به دنیا آمد. حضرت حسن (رض) به پیامبر (ص) بسیار شبیه بود و پیامبر (ص) او را به حدی دوست می‌داشت که درباره او فرموده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ؛ پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار».

۱- جرج جرداق مسیحی لبنانی؛ کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية»

با شهادت حضرت علی (کرم الله وجهه) مردم با حضرت حسن (رض) بیعت کردند و وی به مقام خلافت برگزیده شد. در دوران خلافت او نزاع و آشوب میان مسلمانان گسترش یافته بود. عده‌ای به پشتیبانی از معاویه در شام و مردم کوفه و عراق به طرفداری از حضرت حسن (رض) برخاستند و در سال چهل و یکم هجری در محلی به نام انبار در نزدیکی‌های شط فرات در عراق در مقابل هم صف آرایی کردند و نزدیک بود آتش جنگ میان مسلمانان شعله‌ور شود. حضرت حسن به خاطر جلوگیری از جنگ و خونریزی با معاویه صلح کرد با این شرط که معاویه تا زنده است حاکم باشد ولی حق ندارد کسی را به عنوان جانشین منصوب کند. بعد از قرارداد آتش بس، حضرت حسن (رض) شهر کوفه را ترک نموده و به مدینه منوره برگشت و در آنجا اقامت گزید. حضرت حسن (رض) با توطئه بدخواهان و ستمگران به شهادت رسید. دوران خلافت ایشان حدود شش ماه بود.

با شهادت حضرت حسن (رض) حکومت و خلافت اسلامی که براساس انتخاب و بیعت مردم با یک مجتهد و فقیه عادل و با تقوا بود، پایان یافت؛ زیرا معاویه پسر خود یزید را که در اخلاق و رفتار نسبتی با اسلام نداشت به عنوان ولی عهد منصوب کرد و حکومت به ملوکیت و سلطنت تبدیل گردید و تفرقه میان مسلمانان شروع شد.



در سیره زندگی و اخلاق حضرت حسن (رض) تفکر کنید و درس‌هایی را که می‌توان برای زندگی در دنیای امروز گرفت، بیان نمایید.



- ۱- با دقت در سیره خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را یافته پیرامون هر ویژگی در حد دو سطر توضیح بنویسید.
- ۲- با دقت در سیره خلفای راشدین، نقش مردم در خلافت هر یک از این خلفا را تحلیل نمایید.

دنیای اسلام پس از خلفای راشدین

با تبدیل نظام خلافت و رهبری اسلامی به ملوکیت و سلطنت، وضع جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد و زمینه تفرق و تضعیف جامعه اسلامی فراهم گردید. از طرف دیگر، وسعت زیاد سرزمین‌های اسلامی و پراکندگی جغرافیایی و قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، ایران، عراق، مصر، روم و بخش‌هایی از اروپا و هند و آفریقا و ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی، نیز پاسخگویی به این قبیل مسائل را بیشتر و ضروری‌تر می‌کرد. وقتی که یزید، برخلاف عهدنامه معاویه با حضرت حسن (رض) به قدرت رسید، برخی از شخصیت‌های بزرگ مانند امام حسین (رض)، عبدالله پسر حضرت عمر (رض)، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن پسر حضرت ابوبکر (رض)، شدیداً به مخالفت برخاستند؛ زیرا کسی به سلطنت رسیده بود که خود را خلیفه رسول خدا می‌نامید، اما آشکارا و علنی مرتکب گناہانی چون شرابخواری می‌شد.

قیام امام حسین (رض) منجر به شهادت او و یارانش و اسارت خانواده‌اش گردید. عبدالله بن زبیر نیز قیام کرد و مکه را به تصرف درآورد. اما بعدها در مقابل حجاج بن یوسف که از طرف عبدالملک بن مروان به مکه لشکرکشی کرده بود، شکست خورد و مکه به تصرف حجاج درآمد.

بعد از این حوادث، به تدریج حکومت و سلطنت امویان رو به سستی نهاد تا اینکه حکومت به بنی عباس رسید. آنان نیز همان روش حاکمان بنی امیه را ادامه دادند و همین امر، سبب شد تا بسیاری از فقیهان و دانشمندان با آنان مخالفت کنند.

امام ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، در اواخر حکومت اموی، از طرف والی عراق برای مقام عالی قضاوت دعوت شد؛ اما او قاطعانه این دعوت را رد کرد و به همین دلیل مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در زمان منصور، حاکم عباسی نیز به وزارت دادگستری دعوت شد که آن را نپذیرفت و تا آخر عمر زندانی شد. امام مالک نیز به خاطر اعتراض به برخی حاکمان و والیان مدت‌ها در زندان به سر برد. امام احمد حنبل در زمان حاکمان عباسی شکنجه شد و به زندان افتاد. امام علی بن الحسین و فرزندان او نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، برخی به زندان افتادند و برخی به شهادت رسیدند. البته در میان

این حاکمان، کسی مانند عمر بن عبدالعزیز نیز وجود داشت که عدالت‌گری پیشه کرد و به آبادانی کشور پرداخت و حقوق بیت‌المال را مراعات می‌کرد.

در این سال‌ها به تدریج گرایش‌های مختلف و دسته‌جات گوناگونی در جامعه به وجود آمد که به طور کلی از سه عنوان بیرون نبودند :

۱- فرقه‌ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت درگیر بودند.

۲- فرقه‌ها و مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی نظرات خاصی ارائه می‌کردند.

۳- مذاهب فقهی که هر کدام برای به دست آوردن احکام شرعی روش‌های خاصی داشتند و پیروان خود را به آن دعوت می‌کردند.



* درباره حاکمان بنی امیه و بنی عباس تحقیق کنید و نشان دهید که روش آنان در حکومت داری و زندگی، چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با خلفای راشدین داشته است.

از آنجا که آشنایی با مذاهب فقهی ضرورت بیشتری دارد، در اینجا به طور مختصر، به شرح آنها می‌پردازیم.

فقه‌های نخستین

فقیهان کسانی هستند که احکام دینی را با مراجعه به قرآن کریم و سنت نبوی و سایر منابع به دست می‌آورند و برای مردم بیان می‌کنند. فقه‌های نخستین، آن دسته از فقیهانی هستند که در قرن اول هجری زندگی می‌کردند. با توجه به اینکه این دوره، فاصله زیادی تا زمان پیامبر (ص) نداشت و احتیاجات مسلمانان در احکام زیاد و متنوع نشده بود، این فقیهان برای به دست آوردن احکام غالباً فقط به قرآن و احادیث نبوی مراجعه می‌کردند و کمتر به اجتهاد عقلی می‌پرداختند. مشهورترین آنان عبدالله بن مسعود متوفی به سال ۹۴ یا ۹۹ هجری، سعد بن مسیب متوفی به سال ۹۳ هجری، عروة بن زبیر متوفی به سال ۱۰۶ هجری و قاسم بن محمد بن ابی بکر هستند. آنان به طور شفاهی مسائل را برای مردم توضیح می‌دادند

و از خود نظر خاصی عنوان نمی‌کردند.

فقه‌های طبقه دوم

در اوایل قرن دوم هجری، تحولات زیادی در علوم اسلامی پدید آمد. این تحول ناشی از ابتلائات و احتیاجات تازه‌ای بود که در زمان ظهور یافته بود و تحقیقات و پاسخ‌های جدیدی را طلب می‌کرد. در این دوره، علوم اسلامی به معنای واقعی آن شکل گرفت؛ یعنی رشته‌های مختلف علمی، مانند تفسیر، فقه، کلام، اصول و فلسفه تأسیس شد و هر دانشمندی در یک یا چند رشته علمی تخصص داشت. فقیهان، علاوه بر تحقیق در قرآن و حدیث به تحقیقات دیگری نیز دست زدند و از رأی و اجتهاد و قیاس خود سود جستند تا پاسخگوی نیازهای جدید باشند. آنان قواعدی برای تحقیقات فقهی خود وضع کردند که به تدریج کامل شد و «علم اصول فقه» نام گرفت.

فقه‌های طبقه دوم در بلاد مختلف اسلامی پیروانی داشتند که رفته رفته از حدود نیمه دوم قرن دوم هجری به دو مکتب بزرگ فقهی تقسیم شدند^۱:

۱- مکتب رأی و قیاس به مرکزیت عراق؛ در این مکتب، علاوه بر قرآن و سنت پیامبر (ص)، به رأی و اجتهاد فقیه اهمیت فراوانی داده می‌شد. نماینده مکتب اهل قیاس و رأی امام ابوحنیفه (رض) بود.
۲- مکتب اهل حدیث به مرکزیت حجاز؛ در این مکتب تأکید زیادی بر ظاهر قرآن و حدیث می‌شد و توجه کمتری به رأی و اجتهاد می‌گردید. امام مالک بن انس (رض) از جمله نمایندگان اهل حدیث به شمار می‌رود.

ما در این بخش به معرفی دو امام از ائمه چهارگانه مشهور اهل سنت که پیروان فراوانی در ایران دارند می‌پردازیم.

امام ابوحنیفه (رض)

نعمان بن ثابت (ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۰ هجری، در هفتادسالگی در بغداد درگذشت. از اساتید مشهور او حماد بن ابی سلیمان متوفی به سال ۱۲۰ هجری است که ۱۸ سال از او فقه و حدیث آموخت. امام ابوحنیفه تا ۴۰ سالگی در بصره در علم کلام^۲ تحقیق

۱- مکتب فقهی دیگری به نام مکتب فقهی جعفری در مدینه توسط امام جعفر صادق (رض) توسعه و گسترش یافت که مربوط به برادران شیعه است که در جای خود از آن بحث شده است.

۲- علم کلام، علمی است که درباره مسائل اعتقادی مانند توحید، معاد و نبوت بحث می‌کند.

و تحصیل می کرد به گونه ای که جزو افراد برجسته و مشهور در آن علم بوده است. او ابتدا علم کلام را بهترین مایه علم می دانست، سپس آن را ترک کرده و به فقه پرداخت.

او علاوه بر قرآن و احادیث معتبر و موثق، بر اثر نیازهای جدید جامعه، به قیاس که یک روش عقلانی است و منافاتی با دین ندارد، روی آورد. قیاس در فقه، یعنی مقایسه نمودن مسائلی که از نظر حکم و علت مجهول باشد با مسئله ای که از نظر حکم و علت معلوم است؛ مثلاً حکم نوشیدن شراب (انگور) به علت مست کنندگی معلوم است و صراحتاً در قرآن حرام شده است. اما در مورد آب جو و امثال آن در قرآن نامی برده نشده است. مجتهد آب جو را با شراب مقایسه می کند و حکم حرام بودن شراب را به آب جو سرایت می دهد؛ زیرا آب جو نیز مانند شراب حالت مست کنندگی دارد.

ابوحنیفه (رض) از قلبی صابر و فکری عمیق بهره ای وافر داشت. در جواب به مسائل شرعی بی باک بود و صریح و روشن پاسخ می داد. در بحث و مناظره چیره دست و فقهی منطقی و کلامی بود.

او شاگردان زیادی تربیت کرد که معروف ترین آنها عبارت اند از: ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، محمد بن شیبانی و زفر بن هزیل تمیمی.

مذهب حنفی دو قرن پس از وفات امام ابوحنیفه رسمیت یافت و در اواخر قرن چهارم و پنجم هجری و پس از آن با حمایت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان و عثمانی ترویج و تقویت شد.



* درباره روزه در مذهب فقهی امام ابوحنیفه تحقیق کنید و واجبات و محرمات روزه را بنا بر این مذهب ذکر نمایید.

امام محمد بن ادریس شافعی

امام شافعی در عسقلان فلسطین در سال ۱۵۰ هجری به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و دو ساله بود که مادرش او را به مکه برد و ده سال در میان قبیله هُرَلی فصاحت عربی و دیگر فنون زبان را آموخت.

در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد و مقدمات علوم را نزد مسلم بن خالد مفتی مکه آموخت. در

سیزده سالگی فقه را در مدینه نزد امام مالک بن انس آغاز کرد و کتاب «الموطأ» او را که در زمینه حدیث است، حفظ نمود. در ۲۵ سالگی در علم فقه و حدیث به درجه اجتهاد رسید.

او پس از فوت امام مالک، به سیر در آفاق و انفس پرداخت و از آرا و نظریات اصحاب رأی و حدیث آگاه گشت. در عراق، آرای مکتب حنفی را نزد محمد بن حسن شیبانی آموخت. در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و چهار سال آخر عمر را در آنجا گذراند و در همانجا وفات یافت.

امام شافعی (رض) فصیح و شیرین سخن می گفت و به انواع استدلال ظاهری توانا بود. بسیار مورد وثوق و امانت دار و عادل و پارسا بود. از عفت نفس و حسن سیرت بهره عالی داشت.

فقه شافعی قدر مشترک بین اصحاب حدیث و اصحاب رأی بود و میان آن دو را جمع می کرد. پس روش او تلفیقی بود از فقه حجاز و فقه عراق. به همین جهت اصول فقه امام شافعی قرآن، سنت، اجماع و قیاس است.

فقه‌های قبل از شافعی در اصول فقه بحث می کردند، ولی قانون کلی و منظمی نداشتند. اما او اصول فقه را تدوین و تنظیم نمود. از این رو، گفته اند نسبت شافعی به اصول فقه مانند نسبت ارسطو به منطق است.

او تألیفات زیادی دارد. ابن ندیم حدود ۱۱۰ جلد کتاب و رساله به او نسبت می دهد. برخی از کتاب‌های او مانند «المبسوط فی الفقه»، «کتاب الامامه»، «کتاب الرساله»، «احکام القرآن»، «السنن» و «کتاب الأئم» از جمله آثار اوست. «کتاب الأئم» در هشت جلد می باشد و درباره فقه است و دایرة المعارف فقهی محسوب می شود.

یکی از عوامل گسترش مذهب فقهی امام شافعی، شاگردان او بوده اند، بیشترین گسترش و اسمیت آن در قرن‌های چهارم و پنجم هجری صورت گرفت. بیشتر شافعی مذهب‌بان در عراق، مصر، سوریه، عربستان، شهرهای غربی ایران و شمال آفریقا هستند.

از جمله شاگردان برجسته امام شافعی، امام احمد حنبل است که بعدها خود روش فقهی مستقلی وضع کرد که مذهب حنبلی نام گرفت.



* درباره روزه در مذهب فقهی شافعی تحقیق کنید و واجبات و محرمات آن را

بنابر این مذهب ذکر نمایید.

به طور خلاصه، در میان اهل سنت چهار مذهب فقهی شکل گرفت که عبارت‌اند از :

۱- مذهب حنفی؛

۲- مذهب مالکی؛

۳- مذهب شافعی؛

۴- مذهب حنبلی.

فقهایی که پس از این بزرگان آمدند، به شکلی تابع یکی از این چهار مذهب فقهی بودند و در همین چارچوب به اجتهاد می‌پرداختند و اکنون نیز فقیهان اهل سنت تابع یکی از همین چهار مذهب هستند.

امت واحده

قرائت و ترجمه

همانا این امت شما امتی واحد است

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

مؤمنون، ۵۲

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا
وَ لَا تَفَرَّقُوا

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً

فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.

آن گاه که با یکدیگر دشمن بودید

پس میان دل های شما پیوند داد

تا به لطف او برادرانِ هم شدید

آل عمران، ۱۰۳

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

وَ لَا تَنَازَعُوا

فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ

وَ اصْبِرُوا

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

با یکدیگر ستیزه و کشمکش نکنید

که سست شوید و نیروتان برود

در قرآن کریم برای نام بردن از مسلمانان از نام‌های مختلفی مانند: مؤمنون، مسلمون و اهل ایمان استفاده شده است، ولی در کنار این کلمات برای نام بردن از جماعت اسلامی و پیروان ادیان دیگر کلمه‌ای به کار رفته که بیش از هر چیز مفهوم و ملاک وحدت را دربردارد. کلمه امت شصت و چهار بار در قرآن تکرار شده است. قرآن، پیروان هر یک از ادیان را یک امت می‌داند و می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا

ما در هر امتی پیامبری مبعوث کردیم

و یا می‌فرماید:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا

و این چنین شما را امت میانه قرار دادیم

بقره، ۱۴۳

از این آیات و آیه‌های فراوان دیگری که در قرآن آمده و در آنها کلمه امت به کار رفته است چنین به دست می‌آید که نه تنها مسلمانان بلکه پیروان هر یک از ادیان، خود یک گروه واحد به نام امت هستند و امت اسلام امتی است واحد و یگانه که بر مبنای پرستش خداوند پایه‌ریزی شده است. کلمه امت کلمه‌ای پرمعناست. این کلمه در لغت، به معنای اقتدا و پیروی و قصد و رهبری آمده است و در قرآن به معنای جماعت پیرو یک دین و آیین و طریق و مسلک دینی به کار رفته است. در کلمه امت معنای وحدت مقصد و عقیده و وحدت پیشوا و جهت نهفته است.

اهداف امت اسلامی

الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در راه خدا کوشش کنید باشد که به فلاح و رستگاری برسید. به دنبال بسیاری از فرمان‌های الهی کسب فلاح و رستگاری به عنوان هدف انجام این اعمال آمده است.

ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: آیات فراوانی از قرآن بیان‌کننده این هدف است، از جمله در سوره آل عمران می‌فرماید: شما بهترین امت در میان انسان‌ها هستید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

ج) استقرار دین خدا در جهان: در آیه ۳۳ سوره توبه آمده است: «خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد». برتری دادن دین خدا بر همه ادیان، یکی از مهم‌ترین اهداف مسلمانان است.

د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین : خداوند در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می فرماید :
 «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» زمین سرانجام به بندگان صالح خدا خواهد رسید.
 ه) نجات مستضعفان و محرومان : «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ
 وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین ممت گذاریم و آنان را
 پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

با افزایش آگاهی مسلمانان و بروز حرکت های اسلامی در جهان اسلام طی سال های اخیر و
 خطرات بزرگی که جهان اسلام را تهدید می کند، تمایل به وحدت اسلامی روز به روز بیشتر می گردد و
 متفکران برجسته مسلمان پیوسته از لزوم وحدت و همبستگی میان مسلمانان سخن می گویند و خطرات
 تفرقه را گوشزد می نمایند. در این باره سه نکته برای همه مسلمانان کاملاً روشن است : اول آنکه وحدت
 از ارکان اسلام است؛ دوم آنکه مجد و عظمت مسلمانان با وحدت به دست می آید و سومین نکته آن است
 که وحدت، قرن هاست در میان مسلمانان از بین رفته یا تضعیف شده است. اکنون بیشتر گفت و گوها و
 بحث ها در زمینه آن است که وحدت چیست و چگونه می توان آن را ایجاد کرد؟

وحدت امت اسلامی

درباره معنای وحدت اسلامی نظریه های مختلفی وجود دارد، در مجموع آنچه می توان از همه آنها
 برداشت کرد آن است که منظور علمای روشنفکر از وحدت آن نیست که از میان مذاهب اسلامی یکی
 انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شوند یا آنکه مذاهب مختلف با یکدیگر ترکیب شوند و مذهب
 جدیدی ساخته و پرداخته گردد؛ بلکه منظور، اتحاد مسلمانان پیرو مذاهب مختلف – در عین اختلافات
 مذهبی آنان – در برابر بیگانگان و دشمنان مشترک آنهاست. با این اتحاد، هم زمینه تعالی و ترقی امت
 اسلامی فراهم می شود و هم امت اسلامی را در برابر دشمنان حفظ می کند.

تفکر در آیات



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام های این آیات را درباره وحدت امت اسلامی
 استخراج نمایید.

وحدت در سنت حضرت رسول (ص)

زندگانی و رفتار حضرت رسول (ص) سراسر سرمشق وحدت است. آن حضرت پس از هجرت به مدینه با بستن پیمان برادری (مؤاخات) میان مسلمانان مدینه که از قبیله‌های مختلف بودند و سال‌ها با همدیگر درگیری و اختلاف داشتند اتحاد و یگانگی را میان آنان برقرار ساخت. ایشان تنها تقوا و ارزش‌های انسانی را معیار برتری و فضیلت می‌دانست. او همواره با برتری طلبی‌های قومی و نژادی و قبیله‌ای به مبارزه برمی‌خاست و می‌فرمود: « لَا فَخْرَ لِعَرَبٍ عَلَيَّ عَجَمٍ وَلَا لِأَيُّضٍ عَلَيَّ الْأَسْوَدِ »؛ عرب هیچ برتری بر عجم و سفید هیچ برتری بر سیاه ندارد. و در حدیثی از ایشان نقل شده که فرمود: مؤمن برای مؤمن مانند بنایی است که هر قسمت آن، قسمت دیگر را محکم می‌کند و آن‌گاه انگشتان دست‌ها را در میان هم نمود^۱. مسلمانان با استفاده از اتحاد و ایمان توانستند در مدتی بسیار کوتاه امپراتوری عظیم ایران و روم و بخش‌های وسیعی از آفریقا، آسیا و حتی اروپا را به اسلام دعوت کنند و تسخیر نمایند و تمدن بزرگی را بنیان نهادند. این تمدن قرن‌ها برقرار و استوار بود. اما اکنون تفرقه و جدایی و عوامل دیگری که بر سر مسلمانان آمده، قرن‌هاست مسلمانان را تضعیف کرده و آنها را در معرض هجوم بیگانگان قرار داده است. برای آنکه وظیفه خود را در این زمینه بهتر درک کنیم، نخست باید بدانیم چه عواملی موجب تقویت وحدت و یگانگی مسلمانان می‌شود تا آنها را تقویت کنیم و چه عواملی پیوند و همبستگی مسلمانان را از میان می‌برد تا با آنها به مبارزه برخیزیم.

عوامل وحدت اسلامی

۱- وحدت عقیده: دانشمندان اسلامی اعتقاد به سه اصل توحید، نبوت و معاد را پایه و اساس مسلمان بودن یک فرد دانسته‌اند. این سه اصل، نزد همه مذاهب اسلامی مشترک است و اساس اتحاد و همبستگی مذاهب اسلامی را تشکیل می‌دهد این سه اصل که در قرآن کریم و سنت و سیره حضرت رسول (ص) نمودار می‌شود، از مسلمانان، یک گروه و جماعت واحد ساخته است.

۲- وحدت در فروع دین: در مجموع مسلمانان در انجام اعمال و فرایض دینی یکسان‌اند. همه مسلمانان عبادت‌ها و اعمال ضروری دین را می‌پذیرند و انجام می‌دهند. ضروریات دین عبارت‌اند از: نماز، روزه، زکات، حج و جهاد. هیچ یک از مذاهب اسلامی نیست که منکر وجوب یکی از این اعمال باشد. انجام این دستورات دینی توسط همه مسلمانان یکی از جلوه‌های وحدت میان آنان است. در احادیث، این اعمال از پایه‌های اسلام به شمار آمده است و همه بدان پایبند هستند.

۱- صحیح بخاری، کتاب الأدب، باب فضل تعاون.

اختلاف نظرها در شرایط و آداب این اعمال که در مذاهب اسلامی مورد بحث و گفت و گو است و با نظر مجتهدان تعیین می گردد، باعث نشده و نمی شود که هیچ یک از این مذاهب دیگری را از اسلام خارج بدانند.

۳- وحدت در هدایت و رهبری: آنچه مسلمانان را برای عبادت و انجام دستورات خداوند راهنمایی می کند، قرآن و سنت است؛ یعنی فرمان خدا و رسول خدا (ص). در میان مسلمانان کسی وجود ندارد که یکی از این دو را انکار کند. همه مسلمانان، رهبری شخص رسول اکرم (ص) برای جامعه اسلامی را پذیرفته اند و پس از ایشان نیز به وجود امام و حاکم برای جامعه اسلامی معتقد می باشند تا قوانین اسلامی را اجرا نمایند. در این باره در جای خود توضیح بیشتری آمده است.

۴- وحدت هدف و آرمان مشترک: اسلام علاوه بر اصول اعتقادی و عملی، دارای هدفهایی است که به صراحت در قرآن و سنت آمده است. داشتن این اهداف مشترک در میان همه مذاهب مسلمان، آنها را به یکدیگر مربوط می کند و از آنها یک گروه واحد می سازد.

۵- وحدت در فرهنگ و تمدن: اسلام تنها یک دین نیست؛ بلکه مبنای تمدن پهناوری است که در همه جای دنیا از حجاز تا قلب آفریقا و جنوب هند و چین و شرق دور و جنوب اروپا و بالکان و سیبری گسترش یافته و روز به روز در همه جا در حال پیشروی است.

فرهنگ و تمدن اسلامی، آداب، افکار و روح واحدی است که مسلمانان را جدای از اینکه از چه فرقه یا نژاد یا مذهبی باشند به یکدیگر پیوند می دهد. در این تمدن، علومی مانند ریاضیات، طب، حقوق، شیمی و ... رشد یافته است. مسلمانان همه دنیا دارای اخلاق و روحیه ها و صفات ویژه ای هستند که آنها را از دیگران جدا می سازد. روحیه صداقت، همکاری و تعاون، پاکدامنی و عفت، غیرت و سایر صفات اخلاقی که برخاسته از تعالیم قرآن و حضرت رسول (ص) است، کم و بیش در میان همه جماعت های اسلامی دیده می شود.



* شیوه زندگی مسلمانان و عناصر فرهنگ و تمدن آنها مانند هنر، معماری و پوشش را مورد مطالعه قرار دهید و نمونه های دیگری از عوامل وحدت را ذکر کنید.

عوامل وحدت و نحوه زندگی و رفتار، از مسلمانان جماعتی می‌سازد که قدرتمندی و حیات آن، امروز بیش از هر چیز برای آنان ضروری است. اگر مسلمانان در برخورد با یکدیگر کشمکش‌های فرقه‌ای و مذهبی و قومی خود را رها کنند و پیوند و همبستگی میان خود را حفظ کنند می‌توانند تمدن از دست رفته خود را دوباره احیا کنند و در مقابل هجوم گسترده و بی‌امان غرب که خواستار نابودی همه چیز ماست ایستادگی نمایند.

تقویت عوامل وحدت و پرهیز از کارهای تفرقه‌ساز، امروزه به یک وظیفه دینی برای هر مسلمان تبدیل شده است که شناخت و درک این عوامل را برای هر کس ضروری می‌سازد.

زمینه‌های جدایی

یکی از زمینه‌های مهم برای رشد تفرقه مسلمانان، تفاوت‌های مذهبی و قومی و فرقه‌ای است. این تفاوت‌ها در طول سالیان دراز مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است. پیروان این گروه‌ها همه مسلمان‌اند و اگر خود نیز در میان خود نسبت به مسلمان بودن دیگری تردید داشته باشند، اما دشمنان همه آنها را مسلمان می‌دانند و با همه مبارزه می‌کنند. در ارتباط هر مسلمان با دیگری، مهم نیست که او در عقیده یا مذهب خود پیرو کدام گروه است. آنچه مهم است آن است که هر یک از گروه‌ها و فرقه‌ها و مذاهب نباید دیگری را کافر و خارج از دین بدانند. مسلمان کسی است که به سه اصل توحید، نبوت و معاد عقیده داشته باشد و ضروریات دین را انکار نکند و به آنها عمل نماید. این مطلب در بیانات حضرت رسول (ص) انعکاس یافته است. ایشان می‌فرمایند: «مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتِنَا وَ صَلَّى صَلَاتِنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتِنَا فَذَاكَ الْمُسْلِمُ لَهُ مَا لِلْمُسْلِمِ وَ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُسْلِمِ»؛ یعنی هر کس شهادت دهد که خدا یکی است و به طرف قبله ما رو کند و نماز ما را به جا آورد و از گوشت ذبح شده ما بخورد او مسلمان است؛ برای او است آنچه برای مسلمان است؛ و علیه اوست آنچه علیه مسلمان است.

رؤسای مذاهب نیز در کنار اختلاف‌های فقهی و عقیدتی که با دیگران داشتند، گروه‌های دیگر را کافر نمی‌شمردند. امام اعظم ابوحنیفه می‌فرمود: «لَا تُكْفِرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ»؛ یعنی ما هیچ یک از اهل قبله را کافر نمی‌دانیم.

جهل

جهل و نادانی یکی از ریشه‌های اختلاف مسلمانان است. جهل مسلمانان نسبت به موقعیت خود

و جهل نسبت به اعتقادات یکدیگر موجب پندارهای نادرست و دشمنی و تهمت به یکدیگر می‌گردد. برای پرهیز از این موضوع باید به نکاتی توجه کنیم، از جمله آنکه: برای به دست آوردن نظرات پیروان هر مذهب باید به کتاب‌های معتبر و علمای آنها مراجعه کرد و نباید شایعه‌ها، سخنان مردم یا نحوه رفتار پیروان هر مذهب را معیار قرار داد. حتی برای به دست آوردن نظرات هر مذهب یا گروه اسلامی نمی‌توان به نظر یک یا چند نفر از عالمان آنها اکتفا کرد. چه بسا نظر یک عالم مذهبی یا نویسنده در میان پیروان آن مذهب، طرفدارانی اندک داشته باشد. در چنین مواردی باید نظر اکثریت و اجماع دانشمندان را به دست آورد که این کار نیازمند تحقیق وسیع‌تری است.

همچنین نمی‌توان رفتار پیروان یک گروه را دلیل بر قبول یا رد آنان دانست. چه بسیارند کسانی که رفتاری برخلاف گفته پیشوایان خود داشته باشند و رفتار تفرقه‌انگیز انجام دهند.

لقب‌ها و صفات ناپسند

از جمله رفتار غلطی که در گذشته وجود داشت نام‌گذاری‌ها و نسبت دادن لقب‌ها و صفات ناپسند به دیگری است. این کار در افروختن آتش دشمنی و کینه و نفرت میان مسلمانان تأثیر زیادی داشته و دارد. برای نمونه، در گذشته گروهی بوده‌اند که به حضرت علی (ع) توهین می‌کرده‌اند و به آنها نواصب (جمع ناصبی) می‌گفتند؛ در مقابل، گروهی دیگر ایشان را در حد حضرت رسول یا خدا بالا می‌بردند. این گروه را غلاة (جمع غالی) می‌خواندند. از آن پس کلمه ناصبی یا غالی بدون توجه به معنای آن در میان شیعه و سنی و در کتاب‌ها نسبت به یکدیگر تکرار شده است. باید دانست همان‌طور که عقیده نواصب ربطی به اهل سنت ندارد عقیده غلاة هم ربطی به شیعیان ندارد. امروز باید از نسبت دادن این صفات و نام‌ها به یکدیگر خودداری کرد و از هر گروه با همان نامی که مورد علاقه آنهاست نام برد و به بزرگان هر مذهبی احترام گذاشت.

رد و بدل کردن لقب‌های ناپسند، تحقیر کردن، مسخره کردن، توهین به دیگری راهی است که پایان آن جز انحطاط و بدبختی مسلمانان نخواهد بود و هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد.



* درباره شیوه عمل کشورهای استکباری مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مطالعه و تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آنها برای تضعیف امت اسلامی و تفرقه میان آنان

چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.



با دقت و توجه در مفاهیم «امت اسلامی» و «وحدت»، تأثیر وحدت در دستیابی به اهداف امت اسلامی را بنویسید.



طرحی هنری (شعر، داستان، نقاشی) را برای وحدت امت اسلامی تهیه کرده و در کلاس از آن استفاده نمایید.

احکام اسلامی

فرائت و ترجمه

..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
..... لَا تُحَرِّمُوا
..... طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ
..... وَ لَا تَعْتَدُوا
..... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ
..... وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
..... حَلَالًا طَيِّبًا
..... وَ اتَّقُوا اللَّهَ
..... الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

چیزهای پاکیزه را که خدا حلال کرده
و از حد مگذرید

ماتده، ۸۷ و ۸۸

آنچه را پیامبر به شما داد بگیرد
و از آنچه شما را باز داشت، دوری کنید

... مَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ
وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا
وَ اتَّقُوا اللَّهَ
إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

اجتهاد و تقلید

دین اسلام برنامه زندگی انسان در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی است و کسانی که از این برنامه پیروی کنند، هم در زندگی شخصی به سعادت می‌رسند و هم در زندگی خانوادگی و هم اجتماعی سعادت‌مند را پدید می‌آورند. این سعادت هم شامل حیات طیبۀ دنیا می‌شود و هم شادکامی جاوید آخرت را در پی دارد.

همان‌طور که در سال‌های قبل گفته شد، این برنامه شامل چهار بخش یا چهار زیر مجموعه

است:

- ۱- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با خدا؛ مانند نماز.
 - ۲- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با خود؛ مانند نظافت و ورزش.
 - ۳- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با جامعه؛ مانند انفاق و امر به معروف و نهی از منکر.
 - ۴- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با طبیعت و نظام خلقت؛ مانند حفظ محیط زیست.
- این برنامه‌ها که همان احکام اسلامی هستند باید از منبع اصیل اسلامی، یعنی کتاب خدا و سنت و سیره پیامبر اعظم (ص) به دست آیند. از این رو، نیازمند اجتهاد و تحقیق علمی فراوان در کتاب و سنت و آشنایی عمیق با بسیاری از علوم، مانند تفسیر، لغت و اصول می‌باشد.
- «اجتهاد» در لغت به معنای جدیت و تلاش است، اما در اصطلاح شرعی عبارت است از تلاش برای به دست آوردن و استنباط احکام از روی ادله، مانند قرآن و سنت، و کسی که دارای چنین توانایی است، «مجتهد» نامیده می‌شود.

علما و دانشمندان اسلام گفته‌اند: شخص مجتهد باید بر پنج موضوع آگاهی داشته باشد:

- ۱- علم به کتاب الله (قرآن)؛
 - ۲- علم به احادیث و سنت نبوی (ص)؛
 - ۳- آگاهی بر اقوال علمای گذشته اعم از اجماع (توافق) علما و اختلاف نظرشان؛
 - ۴- آگاهی بر علم لغت؛
 - ۵- آگاهی بر قیاس و شرایط آن.
- کسانی که خود متخصص در این علوم نیستند و توانایی اجتهاد ندارند، برای به دست آوردن احکام دینی خود به این مجتهدان مراجعه می‌کنند. این کار را «تقلید» می‌گویند و چنین شخصی را «مقلد» می‌نامند.

باید دانست که تقلید در اصول دین، یعنی توحید و نبوت و معاد، جایز نیست هر کس باید با فکر

و نظر خود یکتایی خداوند را بپذیرد و به نبوت اعتقاد داشته باشد و بداند که خداوند در آخرت به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌کند و پاداش و جزا می‌دهد.

اما تقلید در احکام فروع دین، جایز است؛ زیرا هر کسی توانایی این را ندارد که بخش مهمی از زندگی خود را صرف تحقیق و تعلیم کند و به درجهٔ اجتهاد برسد تا بتواند احکام دینی را به دست آورد. روشن است که این تقلید، با تقلید کورکورانه و بدون مبنای عقلانی، فرق دارد. اسلام، هر نوع عقیده و برنامه‌ای را که بدون دلیل و برهان و تنها بر اساس تقلید کورکورانه پایه‌ریزی شده باشد، مردود می‌شمارد. قرآن کریم در آیات متعددی همگان را دعوت به تفکر و تعقل و تدبر می‌نماید و از تقلید ناآگاهانه منع می‌کند؛ از جمله این که می‌فرماید :

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

از آن چیزی که علم نداری دنباله‌روی مکن
.....
.....

اسراء، ۳۶

پیروی و تبعیت شخص غیر مجتهد از یک مجتهد و متخصص در احکام دینی یک روش عقلانی است، همان‌طور که مراجعهٔ یک بیمار که خود در طبابت تخصصی ندارد، به یک پزشک کاری عقلانی محسوب می‌شود.

منابع اجتهاد

فقیهان و مجتهدان در مسیر تفقه و اجتهاد خود و برای به‌دست آوردن احکام الهی از چهار منبع استفاده می‌کنند :

(الف) قرآن کریم : کتاب آسمانی ما منبع اصلی دریافت احکام اسلامی است. فقیهان، با مطالعه و تفکر در قرآن کریم، احکام و قوانین و مقررات اسلامی را به صورت کلی یا جزئی به دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. هیچ‌کس نمی‌تواند قوانینی وضع کند که مخالف با قرآن کریم باشد.

(ب) سنت پیامبر اکرم (ص) : سنت پیامبر عبارت است از قول و فعل آن حضرت. سخنانی که از آن حضرت در کتاب‌های روایی نقل شده و با افعال و کارهایی که ایشان انجام داده است، دومین منبع

اجتهاد است. البته از آنجا که ممکن است در نقل قول و فعل پیامبر (ص) اشتباهات یا غرض ورزی هایی صورت گرفته باشد، فقیهان تلاش می کنند احادیث موثق را از غیر موثق جدا کنند و به احادیث موثق و قابل اعتماد مراجعه کنند.

ج) اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی یا فعلی و یا تقریری مجتهدان پیرامون مسئله ای که به حکم آن در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) اشاره نشده باشد. مجتهدان همان کسانی هستند که قادر به استنباط می باشند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالِ؛ امت من بر گمراهی اتفاق نظر پیدا نمی کنند» این حدیث صریحاً دال بر عصمت امت است. رسیدن به اجماع در مسائل مهم کشور اسلامی حائز اهمیت فراوان است. اجماع سبب می شود:

۱- تفرقه و دو دستی در میان امت از بین برود؛

۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی ممکن گردد؛

۳- راه هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوء استفاده از قدرت از بین برود.

د) عقل و قیاس: اگر فقیهان نتوانند حکم مسئله ای را از قرآن و سنت به دست بیاورند، تلاش می کنند که با عقل و با استفاده از قیاس که یک روش عقلانی استدلال است، حکم آن مسئله را به دست آورند. بدین صورت که این مسئله را با مسئله آمده، مقایسه می کنند و حکم آن را به دست می آورند.

مکلف و احکام تکلیفی

مکلف کسی است که بالغ، عاقل، قادر و مختار باشد. چنین کسی موظف است که تکالیف دینی خود را انجام دهد. بنابراین، کودک، دیوانه و افراد مجبور به اعمال غیر حق و افراد ناتوان از قید تکلیف آزادند. احکام تکلیفی پنج نوع است: واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح.

واجب: حکمی است که انجام دادن آن لازم است و دارای ثواب می باشد و ترک آن عقاب دارد؛ مانند: وجوب نمازهای پنج گانه و روزه ماه رمضان.

مستحب: حکمی است که انجام دادن آن حتماً لازم نیست اما کاری ست پسندیده و موجب خوشنودی خدا و رسول، و دارای اجر و پاداش اخروی است و در ترک آن مجازات و کیفری نیست؛ مانند: روزه عرفه عید قربان و دست گیری از فقرا و مستمندان.

حرام: کاری است که باید آن را ترک کرد و انجام دادن آن عقاب دارد؛ مانند: رباخواری،

دزدی، قمار و دروغ.

مکرره : حکمی است که انجام آن عقاب ندارد؛ اما انجام ندادن آن بهتر است؛ مانند : نماز خواندن در حمام، خوردن و آشامیدن در حال راه رفتن.

مباح : حکمی است که انجام دادن و ندادن آن مساوی است؛ مانند : ایستادن و نشستن.
عبادات که قسم اول آن از فروع دین است خود شامل پنج نوع می باشد، که دو نوع از آنها عبادت بدنی خالص است که آن دو عبارت اند از : نماز و روزه. و یکی مالی خالص است (زکات) و دو نوع دیگر از آنها هم عبادت بدنی و هم عبادت مالی است که عبارت اند از : فریضه حج و جهاد. این پنج نوع عبادت در اصطلاح به نام «خمسۀ ضروریۀ دین» مشهورند.



علاوه بر کارهای ذکر شده، نمونه های دیگری از اعمال واجب، مستحب، حرام، مکرره و مباح را نام ببرید.

اصل حلیت

در دین مبین اسلام، اصل و مبنا بر حلال بودن و مباح بودن است و مواردی که حرام اند باید دارای دلیلی محکم از قرآن و سنت پیامبر و سایر ادلۀ فقهی باشند. علمای اسلام اصل «مباح بودن» را از آیات قرآن کریم استنباط کرده اند.

قرآن کریم می فرماید :

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ

.....

مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

.....

بقره، ۲۹

همچنین می فرماید :

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ

.....

وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ...

.....

حرام کردن هر عملی فقط از جانب خداست و اگر خداوند کاری را حرام می‌کند، به خاطر ضرر و زبانی است که آن عمل به انسان‌ها می‌رساند، تا انسان‌ها مرتکب آن نشوند و آسیب و زیان روحی یا جسمی نبینند. ممکن است انسان‌ها علت حرام بودن برخی کارها را ندانند و این به سبب دانش ناقص انسان‌هاست. اما خداوند که عالم بر همه اسرار جهان است، می‌داند که چه کاری به نفع ما و چه کاری به زیان ماست. توجه داشته باشیم که حلال به اندازه کافی وجود دارد که ما را از حرام بی‌نیاز کند. حرام، با حيله و دسيسه حلال نمی‌شود و خود آن دسيسه هم حرام است. حسن نیت در یک کاری هم آن را حلال نمی‌کند؛ یعنی کسی نمی‌تواند بگوید من به خاطر فلان خیر این حرام را مرتکب شدم. بنابراین، در حلال و حرام باید کاملاً تابع خداوند بود. رسول اعظم (ص) می‌فرماید:

خداوند چیزهایی را واجب کرده است	إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ
آنها را ضایع نکنید	فَلَا تُضَيِّعُوهَا
و حد و مرزهایی معین کرده، از آن تجاوز نکنید	وَ حَدِّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا
و برخی چیزها را حرام کرده	وَ حَرَّمَ أَشْيَاءَ
حرمت آن را از بین نبرید	فَلَا تَنْتَهِكُوهَا
و چیزهایی را مسکوت گذاشته	وَ سَكَتَ عَنِ أَشْيَاءٍ
از جهت رحمت به شما	رَحْمَةً بِكُمْ
نه از جهت فراموشی	غَيْرَ نَسْيَانٍ
پس درباره آنها بحث و جدل نکنید ^۱	فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا

تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌های آنها را استخراج نمایید.

برخی از امور حرام

یکی از وظایف ما در زندگی، شناخت کارهای حرام است. ما باید در همان سنینی که به تکلیف می‌رسیم، کارهای حرام را شناسایی کنیم و برای دوری از آنها برنامه‌ریزی نماییم. این امر سبب می‌شود که در بزرگسالی نیز به راحتی مرتکب گناه نشویم، برعکس کسی که نسبت به دستورهای خداوند بی‌تفاوت است و به حلال و حرام توجهی ندارد. چنین فردی، هرچه زمان می‌گذرد در باتلاق حرام بیشتر فرو می‌رود به گونه‌ای که در آمدن از آن مشکل‌تر می‌گردد. برخی از امور گناه و حرام به شرح زیر است:

۱- شرک به خداوند متعال، به هر صورت و شکلی باشد، چه شرک در ذات و چه شرک در افعال و چه شرک در عبادت، حرام است و بزرگ‌ترین گناه محسوب می‌شود.

۲- هرگونه گستاخی و بی‌ادبی نسبت به پدر و مادر، حتی به اندازه گفتن یک «اف» حرام است. خداوند متعال نیکی به والدین را پس از اطاعت و فرمانبرداری از خود واجب کرده و تنها در یک صورت باید از والدین اطاعت نکرد و آن وقتی است که از فرزندان بخواهند مرتکب گناه شوند و به خدا شرک بورزند ولی در هر صورت باید با آنها به نیکی رفتار کرد.

تفکر در آیات

در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره لقمان تفکر کنید و وظایف هر مسلمانی نسبت به پدر و مادر را مشخص نمایید.

۳- خداوند در سوره حجرات به ما دستور می‌دهد که شش عمل را انجام ندهیم:

الف) مسخره کردن؛

ب) عیب‌جویی کردن؛

ج) لقب زشت به دیگران دادن؛

د) سوءظن و بدگمانی نسبت به دیگران؛

ه) تجسس در احوال دیگران و غیبت کردن.

این محرّمات شش‌گانه سرمنشأ بسیاری از بدی‌های اخلاقی‌اند و جزء زشت‌ترین رذایل اخلاقی

محسوب می‌شوند.

* در حالات و رفتارهای خود تأمل کنیم و خود را ارزیابی نماییم تا ببینیم نسبت به این گناهان در چه موقعیتی قرار داریم. اگر به آنها تمایل نداریم، خدا را سپاس گفته و برای تقویت بیشتر خود در مقابل آنها برنامه‌ریزی کنیم و اگر به برخی از آنها تمایل داریم، برای از بین بردن این تمایل، برنامه‌ریزی و تمرین نماییم.

احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

خداوند بنابر آیه ۴ سوره مائده، هر چیز پاکیزه‌ای را برای انسان حلال شمرده است و به مردم اجازه داده که از آنها بهره ببرند.

در میان خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، هر چیز زیان‌آوری را حرام کرده است، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

(الف) شراب و هر ماده مست‌کننده دیگر؛

(ب) گوشت خوک و سگ؛

(ج) گوشت مردار؛

(د) مواد مخدر از قبیل تریاک، هروئین و

مصرف شراب و مواد مخدر موجب زایل شدن عقل و تخریب قوای عقلی و فکری انسان شده و تأثیرات جبران‌ناپذیری بر جسم و روان دارند. خداوند عقل و فطرت انسان را پاک و سالم آفریده و بهترین موهبت خود به انسان قرار داده است و اگر عقلانیت از انسان سلب شود، با سایر حیوانات تفاوتی ندارد. مصرف مواد الکلی خشونت و التهاب ایجاد می‌کند و شخص، در حالت مستی، ممکن است به هر نوع عمل خشونت‌آمیز و تأسف بار دست بزند. مصرف تریاک و مواد مشابه فرد را بی‌غیرت، ترسو، بی‌توجه و لال‌بالی می‌کند. بدن او را در مقابل بیماری‌ها چنان تضعیف می‌کند که روز به روز به کام مرگ نزدیک‌تر می‌شود. اعتیاد به سیگار نیز به دلیل هدر دادن امکانات مادی و تأثیر مخرب آن بر بدن و مقدمه شدن آن برای مصرف مواد مخدر، حرام است.

قمار و شرط بندی

یکی از کارهای حرامی که به صراحت در قرآن نهی شده، قمار و شرط بندی است. این کار حرام و زیان بخش که جز هدر دادن وقت، تخریب اعصاب و وارد کردن زیان مالی و حیثیتی جبران ناپذیر، خاصیتی ندارد، متأسفانه هم در قدیم و هم امروزه رواج دارد. امروزه در بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای غربی، همان طور که شراب خانه های بزرگ وجود دارد، قمارخانه های بزرگی نیز هست. برخی از افراد از این راه ثروت های بادآورده به دست می آورند و برخی نیز همه زندگی خود را می بازند. این گناه به تدریج روحیه تلاش و بروز استعدادها را خاموش می کند، اراده را ضعیف می نماید و کار و سازندگی را از بین می برد. افرادی که به این کار عادت کرده اند، معمولاً در عالم رؤیا برای خود کاخ های زیبا می سازند و وقت و عمر خود را به انتظار برنده شدن از دست می دهند. در اسلام، فقط شرط بندی برای مسابقات تیراندازی و اسب دوانی و شتردوانی جایز است؛ زیرا این ورزش ها، به خصوص در گذشته توان جسمی و روحی افراد را بالا می برد و آماده دفاع از کشور و دفع خطرها می نمود.



* برخی شکل های قمار و شرط بندی را که در بعضی جاها رواج دارد، معرفی کنید و آثار زیانبار آنها را توضیح دهید.

عادت های حرام

امروزه برخی از عادت ها در میان برخی از افراد، هرچند اندک، مشاهده می شود که با احکام اسلام مخالف و از نظر حکم الهی حرام می باشد. خوب است در اینجا به ذکر برخی از آنها بپردازیم:

۱- استفاده از طلا برای مردان: می دانیم که استفاده از طلا و حریر (لباس ابریشمی) برای مردان حرام، ولی برای زنان حلال می باشد. برخی دلایل علمی هم برای این موضوع ذکر شده است. اگر چنین دلایلی هم نبود، حرام شدن آن از جانب خداوند برای مردان، نشانه زیان چنین کاری است. امروزه مشاهده می کنیم که برخی مردان و جوانان از طلا استفاده می کنند و گاهی همین طلا در نماز نیز همراه آنهاست که در این صورت هم نماز آنها باطل است و هم به خاطر استفاده از طلا مرتکب گناه شده اند. اینان به ویژگی های متفاوت مردان و زنان توجه ندارند و به گونه های مختلف خود را مشابه

زنان می‌سازند؛ درحالی که اولاً استفاده از طلا و حریر و سایر جنبه‌های زینتی و آرایشی برای زنان، به خاطر ویژگی خاص آنهاست. ثانیاً همان زنان نیز باید آرایش و زینت خود را در محدوده خانواده و افراد محرم حفظ کنند و از استفاده آن در مقابل افراد نامحرم یا در ملاء عام اجتناب کنند. مردانی که به سوی این قبیل آرایش‌ها و زینت‌ها رو می‌آورند و به شکل‌های نامناسبی در جامعه ظاهر می‌شوند، باید به تحلیل عمل خود پردازند و شخصیت روحی خود را ارزیابی کنند تا متوجه منشأ اشتباه خود شوند.

روشن است که چنین رفتاری نشانه ترقی و پیشرفت نیست؛ زیرا همان کسانی که عامل پیشرفت در دنیای امروز بوده‌اند، از فضانوردان گرفته تا سازندگان ابررایانه‌ها تا مخترعین و کاشفان بزرگی چون نیوتن و انیشتین این راه را برای پیشرفت انتخاب نکرده‌اند. آنان به جای توجه به ظاهر و تلاش برای به شکل‌های گوناگون در آوردن خود، با جدیت و تلاش و تحمل رنج و زحمت و بی‌خوابی و دوری از تن‌پروری راه علم و پیشرفت را طی کردند و نام خود را در تاریخ بزرگان خدمت‌کننده به بشریت زنده نگه داشتند.

کسانی از مردان و جوانان که به عادت‌های ناپسندی مانند: استفاده از طلا، آرایش غیرمعمول، پوشیدن لباس‌های نامناسب و تقلید کورکورانه از هرنوع مد می‌پردازند و کار خود را تحت عنوان پیروی از مد توجیه می‌کنند، باید توجه کنند که این قبیل رفتارها به تدریج موجب شکل‌گیری خصلت‌ها و عادت‌های ناپسندی در آنها می‌شود و از طریق آنها به فرزندانشان انتقال می‌یابد. متأسفانه برخی از جوانان که دست به چنین کاری می‌زنند، وقتی بزرگسال می‌شوند و تشکیل خانواده می‌دهند، انتظار دارند فرزندان‌شان به شیوه‌ای درست زندگی کنند و از این قبیل عادت‌ها دور باشند. اما باید بدانیم که بهترین راه برای هدایت فرزند، الگوی خوب بودن پدر و مادر برای آنهاست.



* جامعه پیرامون خود را بررسی کنید. و وجود برخی از عادت‌های ناپسند رایج میان جوانان را مشخص کنید و درباره علت وجود چنین عادت‌هایی گفت‌وگو نمایید.

۲- عکس‌ها و تصویرهای مبتذل: می‌دانیم که نگاه به تصویر اندام فرد نامحرم حرام است، به خصوص که اگر از روی شهوت باشد یا سبب تحریک شهوت شود. باید توجه کنیم که این عمل از نظر روان‌شناسان به تدریج سبب افسردگی روانی شده و شخص را رنجور و حسرت‌زده می‌کند و تمرکز فکر انسان را از بین برده و مانع تفکر سازنده و خلاق او می‌شود.

امروزه ارتباطات امری اجتناب ناپذیر است، به ویژه با پیدایش ابزارهایی مانند ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و... که در ایجاد ارتباطات تسریع کرده اند، این رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گسترش علم و فناوری باشند و در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، ورزشی، شهرنشینی، پزشکی و سلامت به انسان‌ها خدمت کنند. اندکی از مردم در نقاط مختلف دنیا هستند که به جای خدمت به انسان‌ها، این ابزار را وسیله تخریب شخصیت جوانان و سستی و بی‌بندوباری آنها ساخته و از این راه دام‌های فریب خود را پهن کرده و ثروت‌های بی‌پایانی به چنگ می‌آورند که در اینجا فرصت ذکر آنها نیست. گروه‌های بی‌بندوبار در هر جامعه‌ای زمینه نفوذ آنها را فراهم می‌کنند. برای پیدایش چنین گروه‌هایی است که برخی از قدرت‌ها از رسانه‌هایی مانند اینترنت و ماهواره سوءاستفاده کرده و بی‌بندوباری را گسترش می‌دهند. جوانان عاقل و خردمند هرگز وقت و عمر گرانبها و سرشار از انرژی خود را در تماشای چنین صحنه‌هایی به هدر نمی‌دهند و از دریافت آن همه اطلاعات با ارزش خود را محروم نمی‌سازند.

توجه کنیم که نگاه به نامحرم، در هر صورت، برای کسب لذت حرام است؛ چرا که شخصیت فرد را متزلزل می‌سازد و غیرت او را زیر سؤال می‌برد. انسان‌های ناموس‌دار و غیرتمند نفس خود را مهار می‌کنند و ناموس دیگران را مورد تعرض قرار نمی‌دهند. ناگفته نماند که خداوند اصل نگاه کردن به نامحرمی که حجاب خود را رعایت کرده، منع نمی‌کند؛ زیرا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و او هرگز تکلیف مالایطاق و غیرقابل اجرا نمی‌کند؛ بلکه نگاه از روی شهوت را منع می‌کند و می‌فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

به مردان مؤمن بگو:

يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

دیدگان خود را فرو دارند

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

و اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند

ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ

این برای آنان پاکیزه‌تر است

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

و خداوند به کارهایی که می‌کنند آگاه است

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ

و به زنان مؤمن بگو:

يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

دیدگان خود را فرو دارند

وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ...

اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند

توجه داشته باشیم که نگاه‌های آلوده اولین قدم برای ورود به مراحل دیگر زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. بنابراین، باید خود را از نگاه‌های آلوده حفظ کنیم و خود را در مسیری که دین تعیین کرده قرار دهیم. البته نگاه کردن زن و مرد برای ازدواج و انتخاب یکدیگر ابتدایی‌ترین مرحله است که باید انجام شود و از آن پس سایر مراحل، آن‌گونه که دین فرمان داده، طی می‌شود تا این که زن و مرد ازدواج می‌کنند و زندگی مشترک را آغاز می‌نمایند.

فعالیت‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش است که خداوند آن را حلال کرده و بدان تشویق کرده است. اما ربا را حرام کرده و فرموده:

.....
أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ
.....
وَ حَرَّمَ الرِّبَا.

بقره، ۲۷۵

ربا فعالیت‌های اقتصادی سازنده را از بین می‌برد و افراد فقیر را فقیرتر و گرفتارتر می‌کند. با این که خرید و فروش حلال است، اما هر چیزی را نمی‌توان معامله کرد. خداوند متعال خرید و فروش چیزهایی را که زیان دارند حرام کرده است. به همین جهت خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، گوشت خوک و مانند آنها، حتی با غیرمسلمان هم حرام است؛ زیرا دین مبین اسلام به کرامت انسان‌ها احترام می‌گذارد و از هر وسیله‌ای برای حفظ کرامت آنها استفاده می‌کند.

خداوند متعال روزی‌های حلال موردنیاز ما را آفریده و در طبیعت قرار داده است. لازم است که هر کس با فعالیت و تلاش مثبت و سازنده برای رفع نیاز خود بکوشد و از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های طبیعت بهره‌مند شود، به ورزش و تفریح سالم بپردازد، به شهرها و سرزمین‌های دیگر مسافرت کند و از آن درس زندگی بگیرد و تجربه کسب کند. اما هیچ انسانی حق ندارد به حق دیگران تجاوز کند و مانع رشد و شکوفایی مادی و معنوی آن شود و انسان‌های دیگر را استثمار نماید.

در روابط اقتصادی مردم پیرامون خود تحقیق و تفکر کنید و روابط سالم اقتصادی و روابط ناسالم را مشخص نمایید.

تنبلی، سستی و نداشتن فعالیت اقتصادی مفید از خصایص افراد تن‌پرور و بی‌خاصیت است که به چیزی جز بهره‌کشی از دیگران فکر نمی‌کنند. اصولاً اراده‌قوی همیشه متعلق به کسانی است که زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند و از دسترنج خود بهره‌مند می‌شوند. البته در همین راه هم باید راه اعتدال و میانه را طی کرد و از توجه بیش از حد و افراط در کسب درآمد که فرد را به حرص و آز می‌کشاند، دوری کرد؛ زیرا چنین افراطی موجب متزلزل شدن روابط سالم، حتی در کانون گرم خانواده می‌شود.

- ۱- با بررسی درس اول کتاب بنویسید که با احکام اسلامی کدام یک از نیازهای ضروری انسان تأمین می‌گردد؟
- ۲- منابع اصیل احکام اسلام کدام‌اند؟ چرا باید احکام را از این منابع دریافت نمود؟
- ۳- مجتهد در فهم احکام اسلام باید به چه موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟ ارتباط هر یک از این موضوعات با فهم دقیق احکام را بنویسید.

آینده تاریخ

اعتقاد به «موعود» و «منجی» در ادیان الهی و به خصوص در اسلام یک اعتقاد عمیق و استوار است. این اعتقاد نشانه بیش درست ادیان الهی به تاریخ و سرنوشت انسان است و به همین جهت نیازمند بررسی و دقت نظر جدی است. در این درس می خواهیم بدانیم :
این اعتقاد چه جایگاهی در اندیشه اسلامی دارد و چگونه زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می دهد؟



..... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ
..... وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
که آنان را جانشین در زمین قرار دهد
همان طور که قبل از آنان کسانی را جانشین
قرار داد.
و برای آنان دینشان را مستقر سازد
که برای آنها پسندیده است
و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند
.....

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي اَرْتَضَىٰ لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمِنًا
يَعْبُدُونَنِي

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

نور، ۵۵

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ
عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و می خواهیم منت نهیم
بر کسانی که ناتوان شمرده شده اند در زمین

قصص، ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ
مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ

پس از ذکر (تورات)

انبیاء، ۱۰۵

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

که بر همه دین ها چیره گرداند

توبه، ۳۳

يَرِثُهَا : آن را به ارث می برد
كَرِهَ : نخواهد، اکراه داشته باشد

آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری بیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟ پاسخ به این سؤال با بینش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، براساس وعده الهی، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد.

تفکر در آیات



در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش بینی شده است؟

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط براساس دین خدا اداره می‌شود.

این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما همان‌طور که قبلاً دیدیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور

ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد. مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته اند که می گوید: منجی نهایی جهان حضرت عیسی است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ، بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می کند و انسان ها را نجات می دهد.^۱ در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.

اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آنها و تلاش برای تحقق آرمان های بزرگ همه پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق طلبان و مانع توطئه های ستمگران می شود.

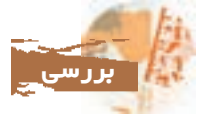
موعود در اسلام

در روایات ما آمده است که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان ها از نسل پیامبر اکرم (ص) ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد. یکی از لقب های این موعود «مهدی» است. بسیاری از علما و محدثین ما در کتاب های حدیثی خود بابتی را به این موضوع اختصاص داده و بعضی نیز کتاب های مستقلی در این باب نوشته اند. آنان ذکر کرده اند که در آینده از خاندان پیامبر فردی متولد خواهد شد که هم نام ایشان است^۲. او به امر خدا قیام خواهد کرد و زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم

۱- این درحالی است که در انجیل برنابا و انجیل یوحنا ذکر شده که حضرت عیسی علیه السلام از آمدن پیامبری بعد از خود خبر می دهد و او را نجات بخش می خواند. قرآن کریم نیز کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می کند و می فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سوره نساء، آیه ۱۵۷).

۲- برخی از علما و دانشمندان که به این موضوع پرداخته اند و می توان به آثارشان مراجعه کرد، عبارتند از: سعدالدین تفتازانی در کتاب شرح المقاصد، ابن حجر هیثمی در کتاب صواعق المحرقة، جلال الدین سیوطی در کتاب الحاوی للناوی، علامه منادی صاحب فیض القدير، علامه خیرالدین آلوسی در غالیة المواعظ، شیخ محمد خضر حسین استاد دانشگاه الازهر در مجله تمدن اسلامی تحت عنوان نگرش بر روایات مربوط به مهدی، کتانی مالکی در کتاب نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، عدوی مصری در کتاب مشارق الانوار، احمد قرمانی دمشقی در کتاب اخبار الدول و آثار الاول و محی الدین عربی در الفتوحات المکیة.

پرشده باشد، از عدل و داد پر خواهد کرد^۱.



پیروان پیامبران الهی چگونه می‌توانند برای فراهم کردن زمینه ظهور منجی جهانی با یکدیگر همکاری کنند؟ پیشنهادهای خود را عرضه کنید.

جهانی شدن، جهانی سازی و مهدویت

امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم و لازم است رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده با هم آشنایند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی کرده‌اند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه را جهانی‌سازی (Globalisation) می‌نامند.

برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، شبکه‌های بسیار زیاد اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به خصوص آمریکا هستند. پشتوانه این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم آمریکایی آماده می‌کند؛ برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، ده‌ها شبکه تلویزیونی به راه

۱- شیعیان عقیده دارند که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است و هم‌اکنون به اذن و قدرت الهی در غیبت به سر می‌برد.

انداخت تا فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

آنچه در اینجا حائز اهمیت و نیازمند روشن بینی است، این است که بدانیم با توجه به قدرت گسترده و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. آنها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودی مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و به طور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های ممکن تبلیغی عرضه می‌کنند تا علاوه بر جلب نظر ملت‌ها، اندیشه آنها را دنباله‌رو خود سازند. در اینجا است که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک ما بیاید تا به جای پیوستن به جهانی سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با اعتماد به قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

- ۱- با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.
- ۲- مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.
- ۳- توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.
- ۴- از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

با تأملی در عقاید اسلام این ویژگی‌ها را در دین اسلام می‌بینیم. با تشکیل حکومت جهانی اسلامی، آرمان‌والای جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران و مصلحان و انسان‌دوستان برآورده می‌گردد.

بخش بزرگی از تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعاف‌ها، در کل جامعه بشری از حکومت‌های طاغوتی و از درون کاخ‌ها سرچشمه می‌گیرد و به دست این گونه دولت‌ها و حکومت‌ها گسترش می‌یابد. اغلب مردم در همه جوامع به خیر و نیکی گرایش دارند و نوع دوست و مهربان‌اند و این حکومت‌ها و قدرت‌های فاسد هستند که به کژی‌ها و بدی‌ها دامن می‌زنند و جوامع را به فساد می‌کشاند. آنان برای

جذب و جلب منافع بیشتر تضاد و درگیری پدید می‌آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار توده‌های نجیب انسانی را به ناسازگاری و تخصص‌وامی دارند و رویاروی هم قرار می‌دهند.

در دوران رهبری حضرت مهدی (ع) با ایجاد مدیریت واحد الهی و حاکمیت یگانه قانون اسلامی، عامل اصلی فساد و تباهی و ظلم نابود می‌شود و انسان‌ها بدون ترس از فشارها برادر و مهربان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، کمبودها و عقب‌ماندگی‌ها جبران می‌گردد و امت واحد انسانی شکل می‌گیرد.

